

قلعه و

مکان جغرافیایی غار کرفتو:

در ۷۴ کیلومتری شرق شهرستان سقز (شکل ۱) در منطقه زربینه اوباتو (هوبتو) صخره‌ای عظیم و بلند از سنگهای آهکی بر فراز تپه‌ای با شیب حدود ۴۵ درجه پدید آمده است که «قلعه یا غار کرفتو» در آن قرار گرفته است.

آب و هوای این منطقه سرد و خشک است، به گونه‌ای که پنج ماه از سال را زیر پوششی از لایه‌های برف سپری می‌کند، دمای هوای آن از سمت غرب در فصل زمستان بین ۲۱ درجه تا ۲۵ درجه سانتی گراد متغیر است.

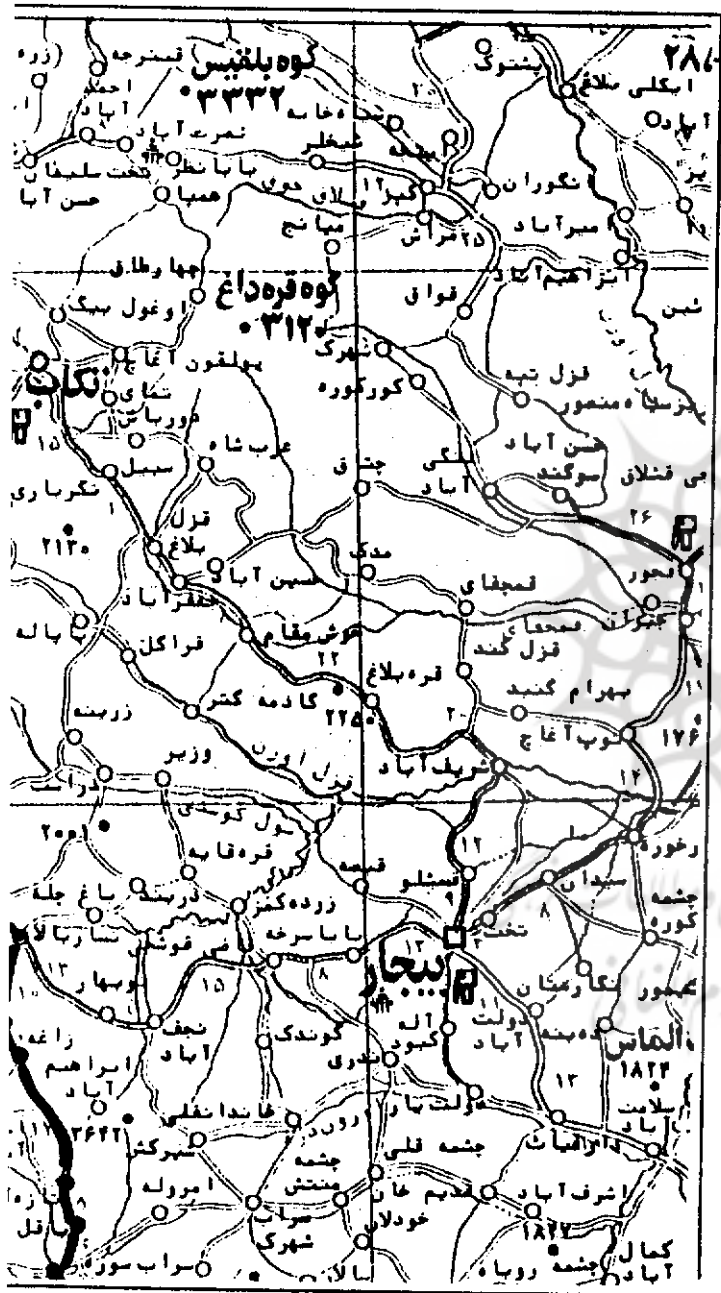
نحوه شکل‌گیری غارها:

از تماشایی‌ترین نتایج عمل فرسایش آبهای زیرزمینی در سنگهای آهکی، تشکیل غارها است. گرچه اکثر غارها نسبتاً کوچکند اما، برخی از آنها دارای ابعاد بسیار بزرگی هستند.

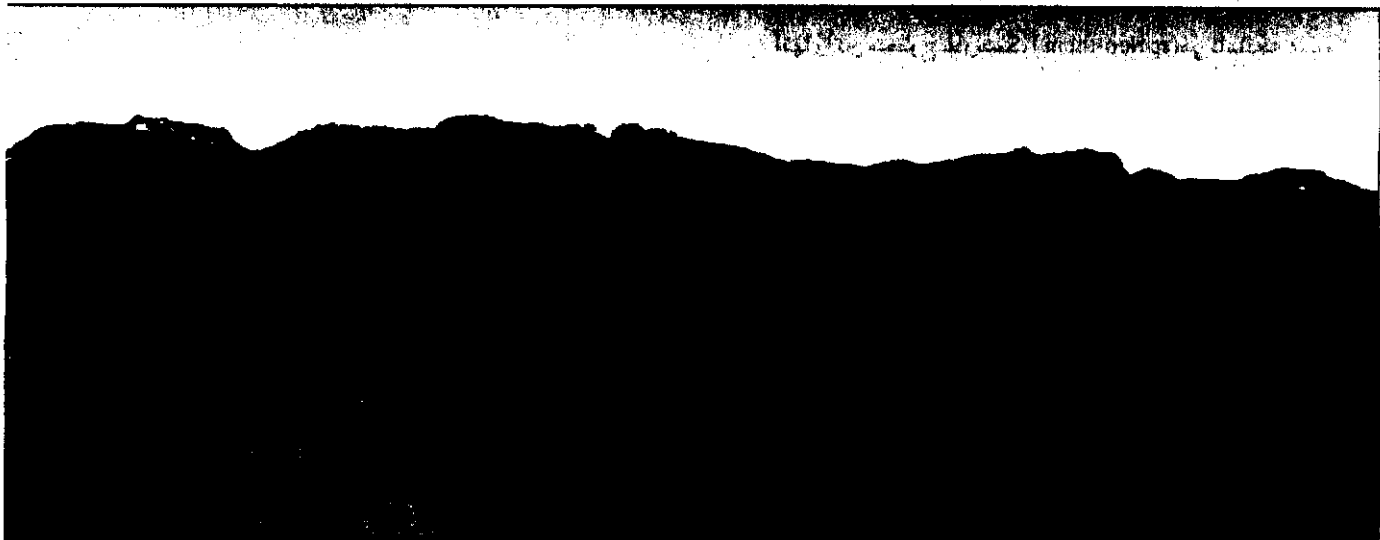
به نظر میرسد بیشتر غارها در سطح ایستایی یا زیر آن و در منطقه اشباع از آب به وجود آمده باشند. در این قسمت، آبهای زیرزمینی به سطوح سنگها همچون درزها نفوذ میکنند. با گذشت زمان، فرآیند انحلال به آرامی حفراتی ایجاد مینماید که بتدریج بزرگتر شده، تبدیل به غار می‌شوند. مواد حاصل از انحلال بوسیله آبهای زیرزمینی خارج و وارد رودخانه می‌شوند.

اشکالی که تحسین بسیاری از بازدیدکنندگان غارها را برمی‌انگیزد تشکیل سنگهایی است که ظاهر اعجاب‌انگیزی به غارها میدهند. این اشکال که بوسیله چکیدن دائمی آبها در طول زمانی بسیار طولانی ایجاد می‌شوند سبب رسوب کلسیت شده که تراورتن نامیده می‌شوند، اما معمولاً نهشته‌های غاری را چکه سنگ (cliptone) می‌نامند که اشاره‌ای به چگونگی تشکیل آنها دارد.

هرچندکه شکل پذیری غار در منطقه اشباع وقوع می‌یابد. اما رسوب چکه سنگ در آنجا میسر نمی‌باشد مگر اینکه غار در موقعیت بالایی سطح ایستایی و در منطقه هوادار قرار گرفته باشد. این وضعیت هنگامی بوجود می‌آید که رودهای حوالی آن دره‌های خود را عمیق‌تر کرده، سبب پایین افتادن سطح ایستایی شوند. همینکه این حجره‌ها هواگیر شده‌ند تزیین غار آغاز



شکل ۱ نقشه دست‌نویس به غار کرفتو



امروزی تعلق داشته است و پیداست که پرشدن دره‌های آنها در چند مرحله صورت گرفته است و گستردگی دشتهای آبرفتی در ناحیه شمال غرب و ضخامت آبرفت‌های آن نیز نمایشگر اهمیت و وجود آب‌های جاری آن است.

بیش از ۲۵۰ هزار کیلومتر ارتفاعات زاگرس غربی و جنوب غربی راناهمواری‌های کارستی تشکیل می‌دهند. امالین شکل ساختمانی در همه کوه‌های زاگرس تسری می‌نماید، به عبارت دیگر با پیشروی در نواحی زاگرس جنوبی به ناهمواری‌های کارستی تازه‌تری روبرو می‌شویم که قدمت احتمالی آنها به دوران پالئوژن یعنی اولیگوسن برمی‌گردد.

صخره قلعه کرفتو به درازای حدود ۱۵۰۰ متر و پهنای حدود ۷۰۰ متر در میان نقاط تاریخی همچون زیویه - در سمت چپ و تخت سلیمان در سمت شمال - قرار گرفته است.

رودخانه کرفتو به نام 'چم' که رفتو' در سمت غرب این غار که از کناره روستای 'میرسید' می‌گذرد، جریان دارد. در مشرق روستای میرسید دره فرسایش یافته، باز و گودی قرار دارد. که یکی از دره‌های فرعی - چم کرفتو - رودخانه کرفتو است و دو صخره آهکی را از یکدیگر جدا کرده است. صخره جنوبی در اثر فرسایش مکانیکی متلاشی شده و ساختمان لوحه‌ای شکل سنگ آهکی آن به شدت تخریب کمک فراوان کرده است. در اثر این فرسایش ستون‌های کوچک و بزرگ نامنظمی در سمت جنوب

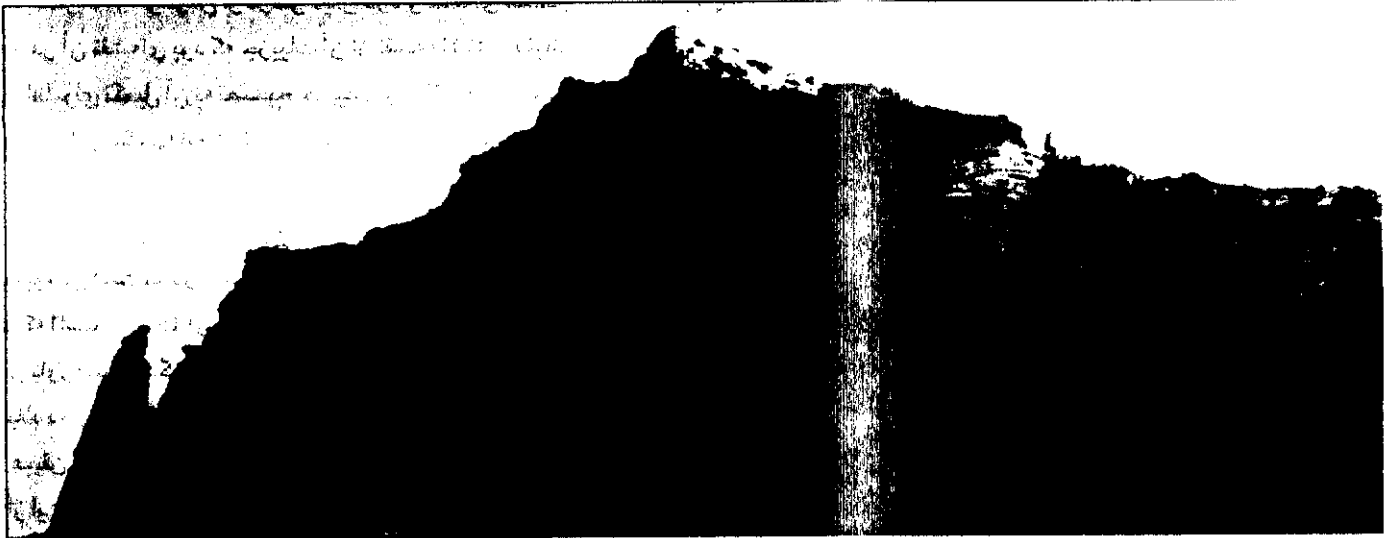
لایه لایه و یابصورت دانه‌های ریزبوده و عمل تخریب در آنها بیشتر است سنگ‌های لایه لایه بدلیل عدم انسجام در مابین لایه‌ها آب بیشتری را در خود جذب کرده سنگ‌های با سطوح جانبی کمتر را متأثر کرده سبب تخریب، چه از لحاظ شیمیایی و چه از لحاظ فیزیکی می‌شوند. اما طبقه دوم که دارای ترکیبات کوارتزی بیشتری است از انسجام و بافت قشرده‌تر و منسجم‌تری برخوردار بوده در مقابل عوامل تخریب مقاومت بیشتری از خود نشان داده‌اند.

ترکیبات مختلف سنگ آهک با توجه به میزان کانیهای تشکیل دهنده دارای رنگ‌های مختلفی می‌باشند. بر اساس رنگ‌های سنگ‌های تشکیل دهنده صخره غار کرفتو تا اندازه‌ای میتوان به ترکیبات اساسی آنها اشاره نمود که به عنوان مثال طبقه اول چون دارای رنگ قرمز آجری میباشد دارای ترکیبات آهن - کلسیت و دولومیت است.

زمین‌شناسی منطقه کرفتو:

به استناد مطالعات زمین‌شناختی، صخره قلعه و غار کرفتو در دوران دوم زمین‌شناختی شکل گرفته است.

در منطقه کردستان دره‌هایی دیده میشود که سراسر با مواد ریز و درشت رسوبی در هم پر شده است. بافت این مواد از جریان گل و لای تشکیل شده است، ظاهراً به سیستم زهکشی غیراز شبکه



فاصله دارد. این ستون را در محل رده خایات^(۴) نامیده‌اند.

پیشینه تاریخی و مطالعات انجام شده در باره غار کرفتو^(۵)

ه. فن گال نویسنده آلمانی از جمله کسانی است که در مجله آلمانی باستان‌شناسی ایران^(۶) به مطالعه در باره کرفتو پرداخته و اظهار داشته که بیش از ۱۵۰ سال پیش یکی از کتیبه‌های یونانی در این غار کشف شده است.^(۷)

غار کرفتو در سال ۱۸۱۹ به وسیله پزشک انگلیسی تبار به نام ج. کرمیک^(۸) در دره کوچک مشرف به ساروق رود کشف و برای نخستین بار توسط کرپورت^(۹) که همان سال از آن دیدن کرده بود، توصیف شد. راولینسون^(۱۰) نیز در سال ۱۸۲۸ از آنجا بازدید کرد. به سبب قرارگیری عجیب این مجموعه در سرحد ماد بزرگ و آتروپاتن به فراموشی سپرده شده، اما به واسطه قرارگیری آن در بافت یونانی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یک سده بعد اشتاین-استین-در لورستان و کردستان به تفحص پرداخت^(۱۱) و از غار کرفتو یک نقشه کامل تهیه کرد. وی از این محوطه و کتیبه قالبی آماده کرد که قبل از آن متن کتیبه برای نخستین بار به وسیله کرپورت^(۹) خوانده شده بود. پس از او نمونه بهتری به وسیله هراولینسون مهیا شده بود که در زمان برگردان متن آن توسط ج. کیبل - G. kaibl - و ا. ویلم - A. wilhelm - شناخته شد.

غربی و شرقی ایجاد شده است، که مهمترین آنها پنجه نام دارد. سه ستون غربی از پنجه که بیشتر از دیگر ستونها جلب توجه می‌کند از دور شبیه به اندام انسانی است. سه در محل به سه کنیشگان - سه دختران - شهرت دارد.

امتداد این صخره در سمت شرق با شیب طبقاتی، شمال و شمال شرقی، دره ناودیسی^(۳) محدودی تشکیل داده که در سمت شمال به شکل ملایمی گسیل یافته است. زمانه غربی آن در این دره فرعی، در اثر فرسایش به وسیله آبهای روان و تخریب مکانیکی گیلویی جنوبی ضخیمی را تشکیل داده است که غار کرفتو در آن جای گرفته است.

ریزش لایه هادر سمت شیب طبقاتی به دامنه جنوبی، دره فرعی ناهموار - پله مانندی را ایجاد کرده است. غار و قلعه کرفتو در شمال صخره پنجه در فراز دامنه شمالی قرار گرفته و در پای آن تخته سنگهای بزرگی که نتیجه تخریب پیشانی گیلویی آن است. سطح پیشانی گیاهی در حال حاضر از حفره‌های بزرگ و کوچک شکل گرفته است. اشکل (۲) در برخی نقاط پای صخره‌های آهکی در اثر فرسایش متلاشی و لایه‌های تخت فوقانی به شکل سایبانها و از منافذ متعدد به ویژه در شرق غار قطرات آب با ترنم خوش آهنگی بر کف حفره‌ها جاری است. در انتهای غربی دهانه غار، ستون بزرگی از سنگهای آهکی ایجاد شده که بخش بالای آن از پیشانی گیلویی صخره حدود ده متر

در سال ۱۹۷۵ رخومن از کرفتو دیدن کرد و مقاله‌ای منتشر کرد و در آن نقشه‌ای بود که جزییات آن از نقشه اشتاین دقیقتر است، اما برای تکمیل آن به تصحیح جزییات پرداخته بود. در میان مجموعه کامل عکسها نقوش تزیینی دیده می‌شد که نسبتاً کاملتر است.

به نظر اشتاین غار کرفتو معرف یک خدای ایرانی هرکول مانند یونانی است که در کتیبه نامیده شده و این غار تنها معبدی است که تاسیت Tasite آن را در کوه سمبولوس ذکر کرده است و بر این باور است که، گوردز دوم شاه پارتی آن را در سال ۵۰ پیش از میلاد در رقابت با مهرداد ساخته (۱۲) است.

ه. فن گال نیز نظریه اشتاین را پذیرفته است. در حالیکه هیچ یک از این تفاسیر صحیح به نظر نمی‌رسد. و مجموعه تراشیده شده از سنگ کرفتو مکان مذهبی نیست و معبد کوه سمبولوس دورتر از آنجا در دامنه کوه بیستون در مرکز باستانی ماد قرار دارد. مضمون کتیبه یونانی که سبب ابهام این دو نظریه است، عبارت از: هراکلس در اینجا سکونت دارد، از گزند هر پلیدی ایمن باد است که در قسمت بالای در یکی از اطاقها در مجموعه غار کرفتو نوشته شده است.

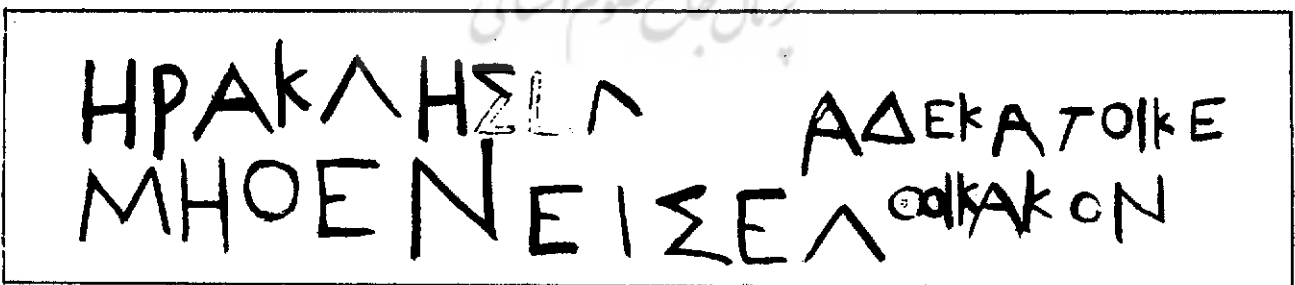
ه. سیریگ قبلاً تذکر داده است که این متن یونانی در ورودیهای منازل دیده می‌شود و نوعی دعای خیر است، در محلی که سکونت می‌کردند، تا تحت حفاظت قدرت خدایی باشد و به هیچ وجه معرف وجود معبد نیست (۱۳) که ه. فن گال به اشتباه پنداشته که در سردر معابد هم دیده می‌شود. باشواهد و نمونه های موجود که جای استفاده از معابد رانشان میدهد (۱۴) امکان معبد بودن کرفتو رد می‌شود. بااین تعبیر روشن می‌شود که عبارت یونانی موجود در کرفتو از نظر زمانی در خانه های (Sinope) قرن چهارم پیش از میلاد قرار می‌گیرد و بسیار کهن بوده و بنابراین نوشته خود کتیبه به نیمه اول قرن سوم پ.م یا دورتر تعلق

دارد. پیش از این زمان در ایران، این عبارت کاربرد جز کاربردش در سرزمینهای مدیترانه داشته است.

کتیبه با خط زیبایی تاکنون سالم مانده و شکل حروف آن با شکل حروف کتابت امروزی یونانی مطابقت دارد. بدون تردید این کتیبه را یک یونانی حک کرده است (شکل ۳) بااین توصیف مجموعه غار کرفتو پیش از آنکه معبد اختصاصی هراکلس باشد، در واقع مکان مسکونی بوده که تحت حفاظت یک هراکلس قرار داشته است، که بااین اعتقاد، خدا در نقش محافظ یک خانه کاملاً یونانی دارد.

ه. فن گال به جنبه اسرارآمیز بنا تاکید دارد و بر این باور است که به بررسی تشابهات میان این اتاق محراب دار از این مجموعه با معبد میترآ، معماری کیش، می‌پردازد. شکل معماری غار کرفتو کاملاً متفاوت است. اطاقها در داخل صخره هاکنده شده و به دو مجموعه مستقل تقسیم می‌شوند. این دو مجموعه به هم مربوطند و خود در یک سطح نیستند، مجموعه تحتانی (۱۵) هم T_Z ورودی است، مجموعه فوقانی 'aj' سه محل میانی n_p متأخرتر ساخته شده و بی تردید به دوره اسلامی تعلق دارد. طاقچه کنده شده در داخل دیوار غربی اطاق 'O' یک محراب است در مجموعه بالایی اتاق 'a' اتاق اصلی است. در بالای سردر آن کتیبه به خط یونانی دیده می‌شود که به دهلیز 'z' می‌پیوندد، در طول راهروهای 'K' نیمکتهایی موجود است و امکان دارد که این راهرو به مثابه یک اتاق انتظار کاربرد داشته است. این اتاق از پشت به اتاقهایی وصل می‌شود و روشن است که سالن ملاقات - محل سکونت یک شخصیت دولتی بوده است. دو اتاق بزرگ مجموعه تحتانی 'W, V' احتمالاً مکانهای تجمع بوده است. اما اشتاین در توصیف مکانهای مختلف این مجموعه، به طور دائم از واژه 'آپارتمانها' سخن می‌گوید.

ه. فن گال نظریه او را مردود دانسته و بر این باور است که در



شکل ۳ متن کتیبه یونانی در بالای سردر ورودی اتاق داخل غار

چنین حالتی این مکان باید دارای آب انبارها و سیلوها نیز بوده باشد، اما آب انبارها و انبار غلات میتواند شامل کوزه هایی باشد و حتی مکان استقرار کوزه ها، لازم نیست که دالانهای طبیعی، بلکه در درون فرورفتگی صخره پشت آپارتمانها بوده باشد.

اگرچه مسکونی بودن غار کرفتو روشن است، اما تعیین دقیق پراکندگی ساکنان آن کاری بس دشوار است. سرزمین اطراف آن بسیار فقیر و جز چراگاههای عاری از دیگر منابع طبیعی است، پس تصور اینکه سردمداران یونانی چنین مکانی را در این فلات آهکی شسته شده برای ساخت بنای مهاجرنشینی برگزیده باشند، درست به نظر نمی آید.

بنابراین، مالک قدرتمندی با استمداد از نیروی کار انسانی و سرمایه و با به کارگیری ابزاری پیشرفته برایست اقدام به کندن پرتگاه کرفتو کرده باشد، زیرا این مهم بوده که زیادی را می طلبد که از عهده امکانات فردی خارج است. لازم به یادآوری است که مکانهای یادشده به جاده اصلی دسترسی ندارند و دوافتاده اند. بنابراین اساس توقف در اردوگاهها برای عموم و مردم عادی امکان پذیر نیست و بی تردید این مکان توسط قدرتمندان یا دولت کنترل می شده است.

بنای کرفتو جزء قلمرو ماد بوده و به سبب دوری از مرکز به وسیله ساتراپهایی اداره می شده است. این ساتراپها چون حلقه های زنجیر، شهرهای زیر فرمان اسکندر را به هم مرتبط می کرده اند. درست در شمال کرفتو، آن سوی ساروق رود، آتروپات آغاز می شود که سلسله حکام ایرانی تبار پیش از بنیاد نوفرمانروایی بابل پس از مرگ اسکندر، که به سرعت از زیر سلطه و قیمومیت دولت مقدونی رها شد.

در کرفتو آخرین سرزمینهای هلنیزه شده ماد بزرگ تمام شده است. بر این اساس این مکان میتواند پس از یک قشون کوچک که مسئول حفظ و کنترل مرز شمالی بوده است، به شمار می رود.

مسکونی بودن غار کرفتو:

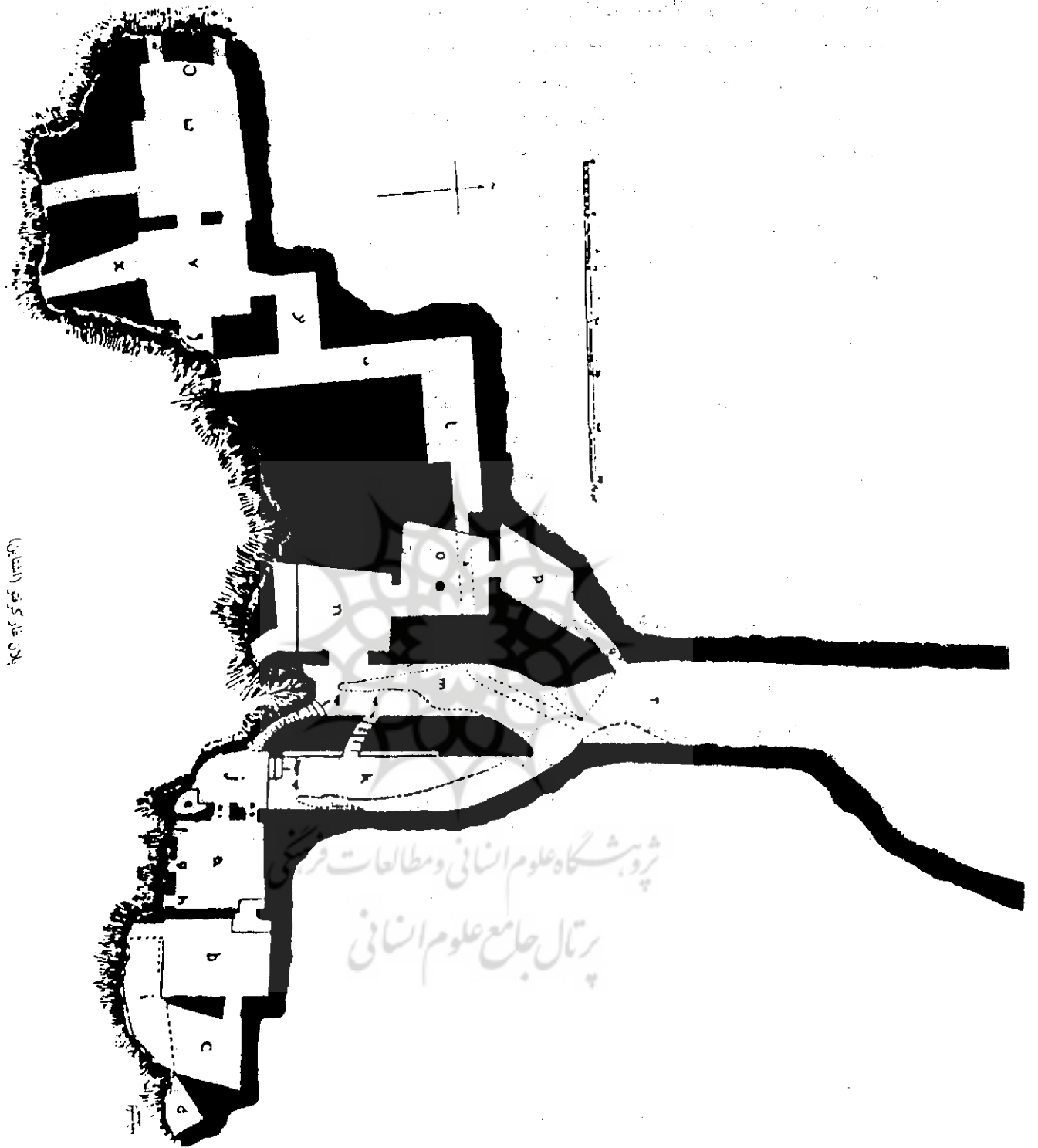
مجموعه غار کرفتو در زمانهای بسیار دور مسکونی بوده پس از فتح مسلمانان نیز ساکنانی داشته است. در اوایل دوره قاجار چند سال قبل از سفر کرپورتر به ایران، یک گروه راهزنان کرفتو را پایگاه خود قرار داده و سرانجام مجموعه غار کرفتو به 'قلعه کرفتو' مشهور می شود.

۱. اشتاین با شباهت میان کتیبه هراکلس کوه سمبولوس و کتیبه غار کرفتو، این غار را بنای مذهبی معرفی میکند، اما دیگران نظریه او را مردود میدانند. وی به شناسایی محوطه پرداخته و به شرح نبرد میان گوردز دوم و مهرداد می پردازد که در منطقه کرفتوی تخت سلیمان در گرفته بود. پس از تسخیر اربیل مهرداد مستقیماً زاگرس را به سوی غرب از طریق جاده ای که امروزه در منطقه سردشت وجود دارد پیمود. وی قصد فتح اکباتان همدان از طریق سقز و زنجان را داشت، طولی نکشید که گوردز در منطقه کرفتو به کمین نشست. تاسیت نامی از راهی که مهرداد از آن طریق از زاگرس گذشته، نمی برد و تنها اشاره می کند که گوردز به رغم سپاه اندک در برابر مهرداد به پشت رود کورما^(۱۶) پناه می گیرد و از رویارویی با مهرداد خودداری می کند و با فرستادن مأموران مخفی به اردوگاههای دشمن به اختلافات درون گروهی آنان دامن زده، دسیسه هایش مؤثر واقع شده و مهمترین هواداران مهرداد را ترک کرده و سپس گوردز با حمله به دشمن، رقیب خود را اسیر می کند با پذیرش این امر که مهرداد از طریق گردنه های شمال کردستان از زاگرس عبور کرده و از زنجان قصد اکباتان را داشته پس منطقه کرفتو میدان کارزار نامناسبی برای گوردز بوده، جاده ای که انتظار می رود به جز رفت و آمدهای ویژه، ارتشی از آن بگذرد.

اشتاین به جاده ای غربی - شرقی ویژه عبور کاروان و پر رفت و آمد اشاره دارد و جاده اصلی که اکباتان را به همدان متصل می کند از سقز تا سنندج پایین می آید. کلدیس^(۱۷) هم از جاده ای که شاهان ساسانی پس از برگزاری مراسم تاجگذاری مورد استفاده قرار میداده اند، به کرفتو رفته است. پادشاهان از طریق این جاده از تیسفون به تخت سلیمان میرفتند تا هدایای خود را به خدای آتشکده بزرگ، بهرام تقدیم کنند. این جاده بیشتر از مسیر شمال از فراز بستر سمت راست ساروق می گذشته است. به سبب دورافتادگی این محوطه تعداد کمی از باستان شناسان و بازدید کنندگان از این منطقه دیدن کرده، از جمله کرپورتر، ه. فنکال، ر.نومان آنجا را دیده اند.

به هر حال این نظریه اشتاین که منظور از رود کورما، نمی تواند مکان زاب کوچک باشد، بی تردید صحت دارد، اما چطور می توان مدرکی ارائه داد که دویست کیلومتر به سمت شرق عقب نشینی کرده است. در حقیقت راولینسون که تجربه شخصی به عملیات نظامی دارد بر این باور است که میان نبرد واقع در میان

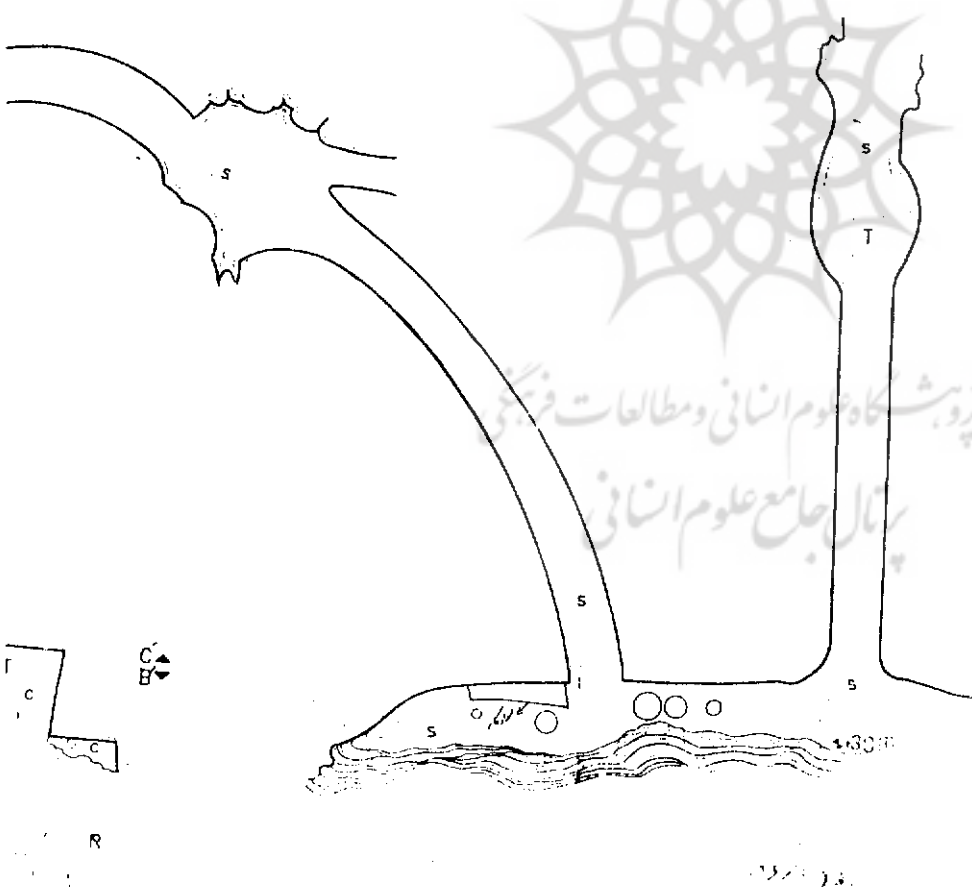
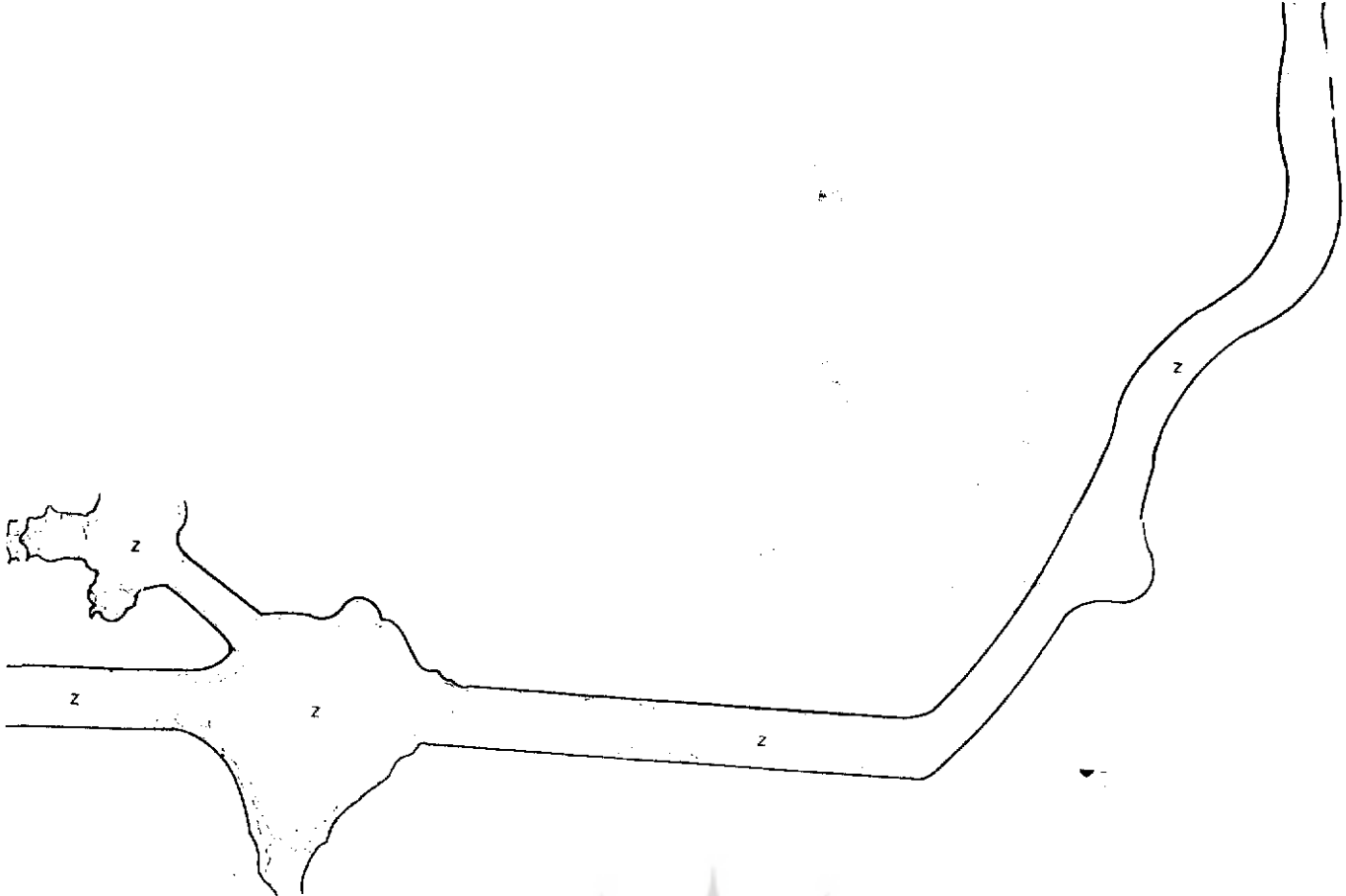
۱۰۰ متری است. در این محوطه ۱۰۰ متری
 ۱۰۰ متری است. در این محوطه ۱۰۰ متری
 ۱۰۰ متری است. در این محوطه ۱۰۰ متری
 ۱۰۰ متری است. در این محوطه ۱۰۰ متری



پلان عمارت کوروش (انتها)

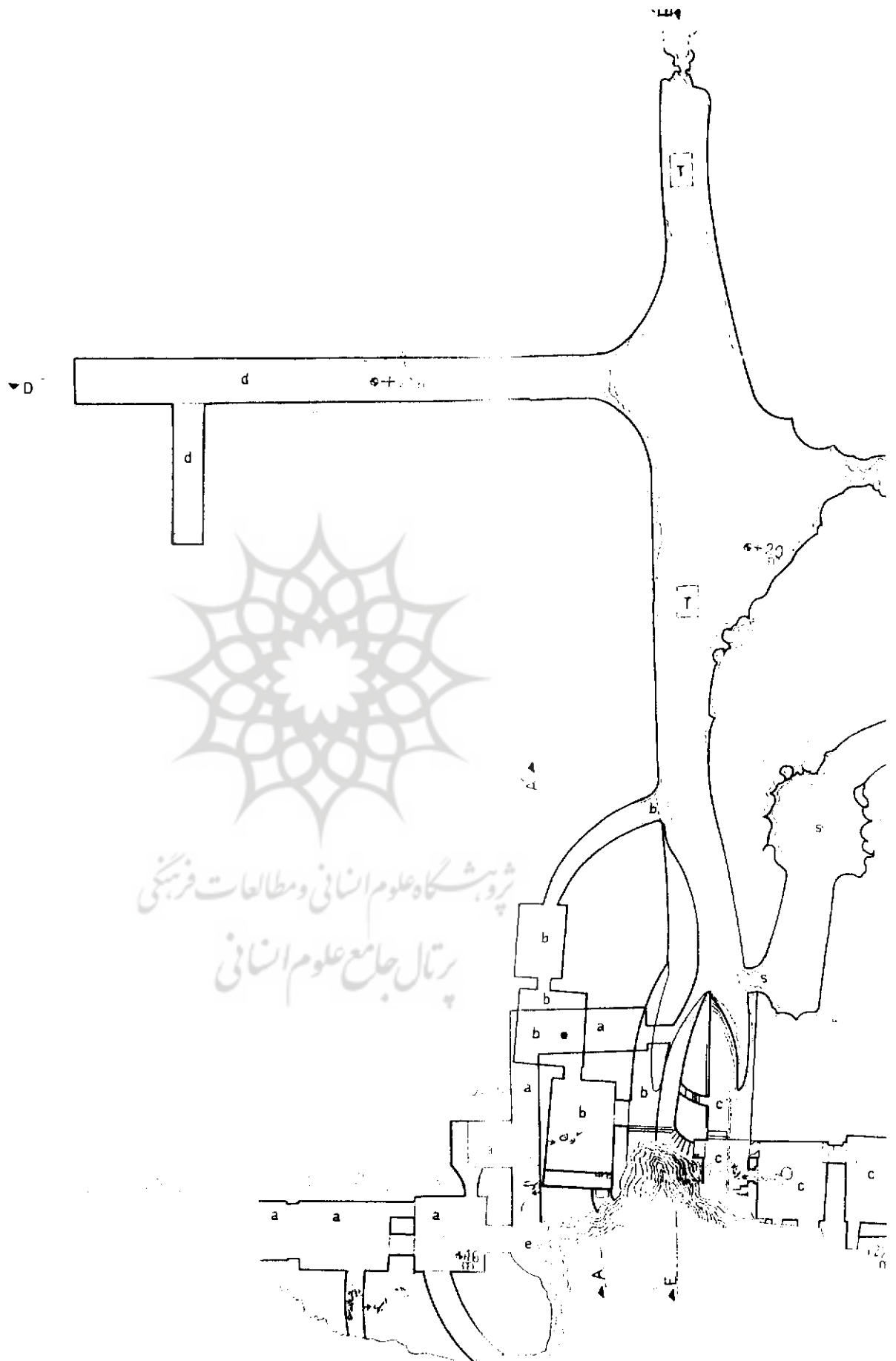
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

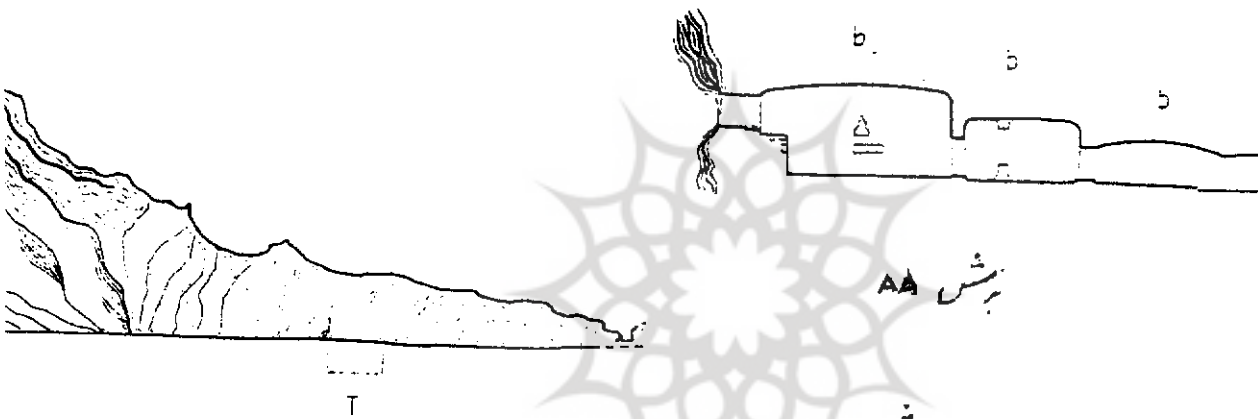
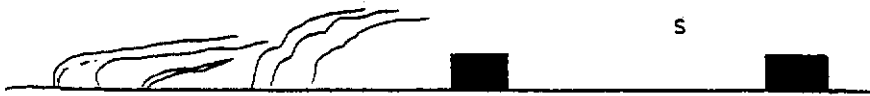


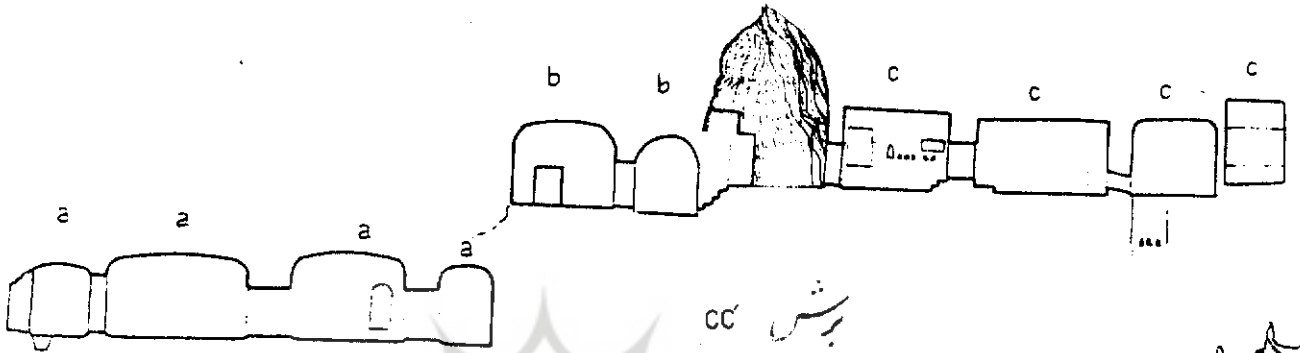
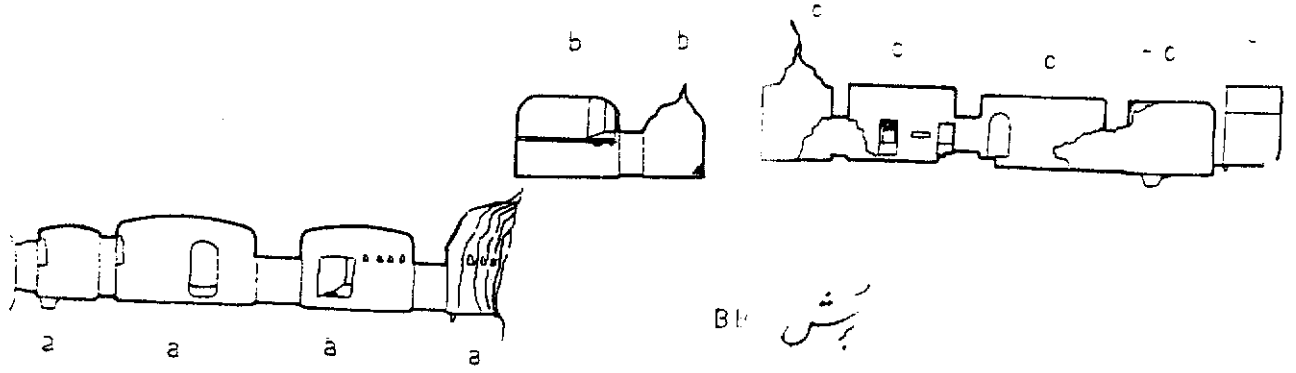


پلان غار کوفتو

علامت	راهنمای نقشه
e	ورودی
a	طبقه اول
b	طبقه دوم
c	طبقه سوم
d	مالدند
z	بخشی از ستون فقرات
s	طبقه
r	ممکن (پایه غار)
t	گمانه







پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پیش
DD



کرمانشاه و بیستون قرار داشته است. و بر این اعتقاد است که اگر چه نام خدا در کتیبه یونانی به طور ناقص نوشته شده و نمی توان نام حقیقی آن را باز شناخت اما مجموعه غار کرفتو را می توان همچون معبد هراکلس در نظر گرفت و هرگز گمان نمی رود که در اطراف آن کوه سمبولوس و یا میدان نبردی بوده باشد که سپاهیان مهرداد و گودرز در آن مقابل هم قرار گرفته باشند و کوه سمبولوس تاسیت احتمالاً در جای دیگری قرار دارد.

بنا به گفته هرتسفلد او آن کوه را با کوه مقدس بیستون در مرکز سرزمین ماد اشتباه پنداشته است، که این نظریه در سال ۱۹۱۰ در کتاب Iraishe felsretiefs منتشر شد و آن را در کتاب Am for von Asian و نیز در آخرین تالیف خود به نام شاهنشاهی ایران بارها مورد تأیید قرار داده است.

به استناد متون گوناگون و براساس بررسی زبان شناختی نام قدیمی کوه بیستون و محل آن آنگونه که در تالیفات نویسندگان یونانی هویت محلها نشان داده شده - در فارسی به گونه: 'بگستانه' یعنی خانه خدایان آمده است. به اعتقاد ایذیدور خاراکسی و استفان دوبیزانس نام شهر واقع در پای کوه بیشتر به فارسی نزدیک است و در متون دیودور از حاصلیخیزی این سرزمین گفته شده که پوشیده از درختان میوه و هر آنچه دلکش است، که مفهوم قوی تری دارد و شایسته خدایان یا خدایی است که در آنجا زندگی می کنند. اگر چه این نوشته مولود مورخان جنگهای اسکندر است و اساس علمی ندارد، اما بی تردید وقتی اسکندر مسیر خود را تغییر می داده تا به ویژه به بازدید این المپ ایرانی، موبدان کوه مقدس، این عبارت را برای او توضیح داده اند.

بر این اساس اکثر نویسندگان باتوجه به اینکه مجسمه و نقش برجسته هرکول در بیستون را یک مکان مذهبی و هرکول را خدای المپی معبد فرض کرده اند که مورد توجه یکی از پادشاهان پارسی قرار داشته است و پیش از نبرد که تاج و تختش به مخاطره افتاده - از شاه پارسی 'خدا' توفیق پیروزی می خواست. در یکصد کیلومتری غرب نقش هراکلس یا هرکول، نقش برجسته گودرز دیده می شود، با طرح این دیدگاه و ایجاد راه ارتباطی بین بیستون، کرفتو، این غار را معبد پنداشته اند. به هر حال نشانه های جغرافیایی حوزه طبیعی که از نوشته های تاسیت استنباط می کنیم، شامل تشخیص موقعیت کوه سمبولوس با مجموعه غار کرفتو است که هرگز یک مکان مذهبی هم نبوده است. این نشانه ها، بر عکس به یک محل یا به پیشنهاد هرتسفلد در مورد کوه

سمبولوس یا کوه بیستون صحه می گذارد.

کوهی که به آن سمبولوس اطلاق شده همان کوه 'پارو' امروزی است.

توصیف 'بگستانه' می بایست به ویژه به پرتگاه بیستون یا معبدش و شهر پله ای واقع در جاده سلطنتی که بین النهرین را به آسیای مرکزی پیوند می دهد، مربوط بوده باشد. بر اساس فرضیه دیگری که به هرتسفلد نسبت داده شده، نام پارسی این دشت که به کوه مقدس مشرف می شود کامپاد^(۱۹) است، این نام در نزد پلین به دو صورت دیده می شود: کامپادیس^(۲۰) و کامپالیدوس^(۲۱)، برای مشخص کردن رشته کوه زاگرس به ویژه به نظر میرسد بخش نزدیک به تاق گرا حائز اهمیت است.

مشابهنه میان کامپالیدوس و سمبولوس و موقعیت تقریبی جغرافیایی خاستگاه این دو ریشه نام که هرتسفلد به کمک آنها به بازشناسی اشکال ضایع شده واژه یونانی می پردازد، به فارسی کامپاد^(۲۲) که کامپادیس یک واژه نوشتاری بسیار نزدیک به این نمونه به شمار می رود، اگر چنین باشد رشته کوهی که مصی الیه جنوبی آن شامل 'بگستانه' است همان دشت بیستون است، بنابراین محل و موقعیت تقریبی دروازه های مادی با گسترش مجموعه رشته کوه زاگرس که کوه پارو جزئی از آن است، می باشد.

معرفی غار و قلعه کرفتو:

با عبور از سنندج به سمت سقز در سمت چپ جاده ای در شمال دیوان دره حدود سی کیلومتر بعد از گذشتن از صاحب از سمت سقز به دو راهی تکاب می رسیم که از این دوراهی تا پای غار حدود ۳۶ کیلومتر فاصله است که در این میان باید از روستاهای، کانی سی، قادرآباد، قلعه گاه، علی مرده، کانی سرخ، قلعه کهنه - گورباغعلی، بایزیدآباد، یوزباش کندی عبور کرد تا به غار کرفتو رسید^(۲۳).

بنای کرفتو در کنار ساروق رود، حدود شش کیلومتر پایین تر در دره ای میان صخره ها قرار دارد که در اینجا دره اندکی پهن تر می شود. غار در کنار یک پرتگاه عظیم واقع و حدود ۱۵۰ متر بلندی دارد، این پرتگاه با لایه آهکی زیرین همتراز است، که از شکافی که در اثر فرسایش یک جریان قدیمی آب ایجاد شده سر درآورده است. محدوده کرفتو در حدود یکصد سال پیش حدود دو هزار نفر جمعیت داشته است.

الف - غار کرفتو:

این غار متشکل از دو بخش است؛ ۱- بخش طبیعی ۲- بخش مصنوعی یا مسکونی که به وسیله انسان ایجاد شده و به قلعه معروف است.

برای راه یابی به غار که توسط انسان شکل گرفته می‌بایست از ورودی که در بخش جنوب غربی آن است، با بالا رفتن از پلکان فلزی یا ارتفاع نزدیک به ۱۷ متر عبور کرد و داخل غار شد.

بریدگی بخش جنوبی غار حاکی از ریزش این بخش از غار بر اثر عوامل طبیعی چون زلزله است. حفره‌های بخش پایین غار- پیش از عبور مسیر پلکان (شکل ۴) و اثبات شدن آوار ناشی از

بیولوژیکی همچون ریشه گیاهان بر دیوار خارجی تخریب شده است. در ضمن در ارتفاع ۲/۲۰ سانتی متری از کف ورودی غار نقش سه حیوان جلب نظر می‌کند (شکل ۵ و ۶) که در زیر این نقوش تعداد هفت عدد حفره در یک ردیف منظم افقی وجود دارد، که احتمالاً به عنوان محل نذورات و یا از آن برای نصب تیرکهای چوبی برای ایجاد فضای معماری در سقف استفاده می‌شده است. نقوش یاد شده شامل نقوش یک بز در سمت راست و نقوش اسب در سمت چپ و در بالای این دو نقش که به شکل یک مثلث درآمده‌اند -نقوش دیگری کنده شده است. هر دو نقش اسب حالتی ایستاده و عاری از تحرک دارند، اما نقش بز، حالت حرکت به خود



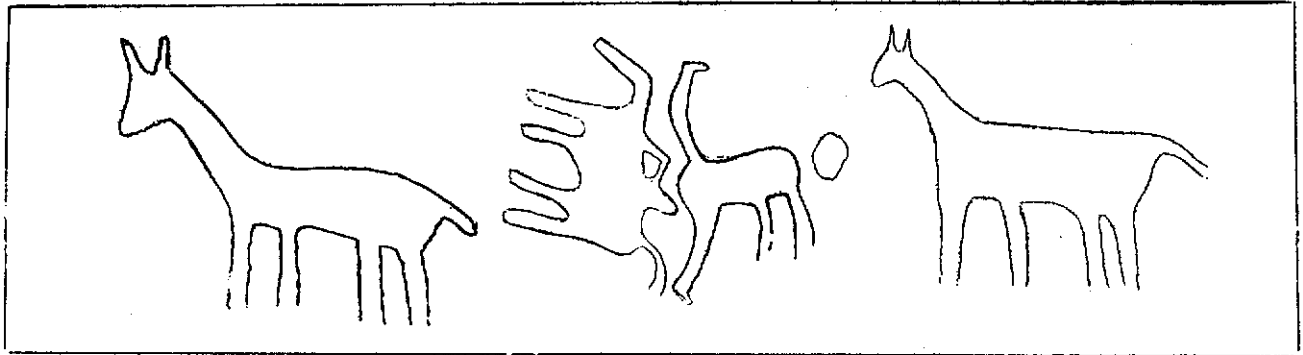
شکل ۴. نمای ورودی غار از طبقه اول

دارد. جهت این نقوش به سوی جنوب است.

ورودی سمت چپ ما را به سه اتاق هدایت می‌کند، عرض ورودی که از چندان ظرافتی برخوردار نیست، ۲/۷۰ سانتی متر است. اولین اتاق مربع شکل است که در بخش جنوبی آن راهرویی طولانی به درازای تقریبی ۴/۹۰ سانتی متر و پهنای ۲/۷۰ سانتی متر در ابتدا و ۱/۹۰ سانتی متر در انتها، دیده می‌شود که به احتمال زیاد برای تعبیه نور و تهویه هوا و یا کاربریهای مانند آن در دل دیوار منخره‌ای ایجاد شده است.

تخریب بخشهای جنوبی بر اثر زلزله (۲۴) گویای وجود طبقه‌ای است که میتوان از آن به عنوان طبقه اول غار یاد کرد، که ورودی داخلی غار به احتمال قریب به یقین از این طبقه بوده است و راه اصلی ورود به محوطه مسکونی غار بسته شده است.

گفتیم که ورودی غار در ارتفاع بیش از ۱۷ هفده متر واقع است و با توجه به حفره‌های مخروطی شکل که در کف آن واقع است، و به عنوان پاشنه در کاربرد داشته است - احتمالاً حکایت از وجود اتاقی میکند که تحت تأثیر عناصر جوی و عوامل



کل ۵ نقش حیوان کهنه

شکل ۶ نقش انسان سوارکار کهنه شده داخل غار

شکل ۷ نقش حیوانی کهنه شده در دیوار داخلی غار

در بخش شمالی اتاق یاد شده درگاهی تعبیه شده که ارتباط این اتاق را با یک اتاق منفرد دیگر در سمت شمالی، که به نظر می‌رسد از آن اتاق منفرد به عنوان انبار استفاده می‌شده، برقرار می‌نماید. پهنای درگاه مذکور ۱/۷۰ سانتی متر است.

در بخش غربی دو درگاهی دیگر ارتباط این اتاق با اتاقهای مجاور را برقرار می‌کند. درگاهی شمالی دیوار غربی به پهنای ۱/۵۰ سانتی متر و درگاهی جنوبی ۱/۶۰ سانتی متر است که درگاهی اخیر با قاب‌بندی در حاشیه به شیوه زیبایی در دل دیوار سنگی حجاری گردیده است. در داخل دیوارهای این اتاق حفردهایی مشاهده می‌شود که توسط انسان در دل دیوار حجاری و تعبیه شده است. در حفردهای ایجاد شده آثاری از سوختگی یا شکست به وسیله زلزله یا عوامل دیگر دیده نمی‌شود. کف اتاق نیز دارای حفردهای متعدد طبیعی است که به احتمال زیاد بر اثر عوامل طبیعی حفر شده - در اثر ریزش قطرات آب یا عوامل دیگر - و همچنین حفردهای مدوری که در داخل یکی از آنها آثار سوختگی مشاهده می‌شود و احتمالاً بدست انسان در کف سنگی این اتاق ایجاد شده است.

پس از گذر از در ورودی که در دیوار غربی اتاق اول ایجاد شده وارد اتاق دوم می‌شویم. این اتاق از اتاق اول بزرگتر است و روشنایی بیشتری دارد. در بخش جنوبی اتاق مزبور راهرویی شبیه به راهرو اتاق اول و در دیوار سنگی ایجاد شده که درازای این راهرو به ۶٫۲۰ سانتی متر و به پهنای ۱/۷۰ سانتی متر در ابتدا و ۱٫۹۰ سانتی متر در انتها می‌رسد. بر روی دیوارهای این راهرو نقوشی به شیوه کهنه کاری در داخل دیوار دیده می‌شود که شامل نقوش هندسی: لوزی و دایره و... نقوش

حیوانی: اسب، گوزن و... و نقوش ترکیبی انسان و حیوان که انسان سوار بر اسب است. در داخل دیوار شمالی و شرقی و جنوبی اتاق مزبور حفره هایی در دل دیوار سنگی کهنه شده که مشابه حفره‌های ایجاد شده در اتاق شماره یک است. کف اتاق دوم دارای حفره‌های طبیعی و مصنوعی متعدد و سطحی ناهموار است. در قسمت غربی اتاق دوم هنوز بخشهایی از دیوار حایل مابین اتاق دوم و اتاق سوم برکف و سقف قابل رؤیت است که احتمالاً دیوار بعدها تخریب شده است. شکل ۱۱ و ۱۲.

اتاق سوم شکلی نیم دایره دارد و دارای دو دریچه تهویه و نورگیری در قسمت غربی است. دریچه شمالی به عرض تقریبی ۸۷ سانتی متر و عمق تقریبی ۱/۲۰ سانتی متر است. در کف اتاق مزبور حفره‌ای مدور دیده می‌شود که بوسیله انسان ایجاد شده است. شکل ۱۳

برای رسیدن به طبقه سوم می‌بایست از سالنی که پس از طی مسیر از نردبان به داخل غار و در مجاورت اتاق اول طبقه دوم در سمت راست آن قرار گرفته عبور کرد. در بخش شرقی این سالن که سقف ضریبی شکل دارد، بخشی مشاهده می‌شود که به دلیل انباشت خاک می‌بایست به حالت نشست از آن گذشت. پس از گذر از این درگاه به دوراهی می‌رسیم؛ راه جنوبی به فضای پرتگاه بیرون غار و راه شمالی به بخشهای طبیعی و طبقات بالاتر غار منتهی می‌شود. برای ورود به فضای معماری طبقه سوم می‌بایست از درگاهی کوچک و راهرویی تاریک عبور نمود. اتاقهای این طبقه دارای جهت تقریبی شمال شرقی، جنوب غربی است. در دل دیوار اتاق اول از طبقه سوم حفره‌هایی شبیه به حفره‌های ایجاد شده در طبقه دوم مشاهده می‌شود.

تزیینات حجاری داخل دیوار به صورت قرینه است و در منتهی الیه بخش شمالی آن پلکانی در ۴ ردیف که بقیه آن بر اثر زلزله ریزش نموده و به احتمال زیاد همان ورودی و راه ارتباطی بوده که قبلاً توضیح داده شد.

بر اثر زلزله بخشهای میانی این سالن فرو ریخته و در حال حاضر شکافی در وسط آن دیده می‌شود. در بخش شرقی پاگرد یاد شده دو ورودی وجود دارد، در ورودی جنوبی و در بخش فوقانی آن کتیبه‌ای به خط یونانی به چشم می‌خورد و در قسمت فوقانی ورودی دوم (ورودی شمالی) تزیینات کنده شده با نقوش حیوان و دوایر و پنجه دست انسان دیده می‌شود. نقوش حجاری شده دستها و دیگر عناصر، بحث باستان‌شناسی قومی است و حجاری آنها بسیار دشوار بوده است و برخی از این آثار جدید به نظر می‌رسد. (شکل ۹ و ۱۰)

پس از عبور از ورودیهای ذکر شده وارد اولین اتاق از طبقه چهارم می‌شویم و از آن می‌توان به عنوان یکی از زیباترین اتاقهای مسکونی این غار یاد کرد، که از هر حیث از جنبه حجاریهای صورت پذیرفته در کف اتاق، قاب بندی ورودیها، ایجاد طاقچه های تزیینی در دیوار و دریچه‌های کنده کاری شده درون دیوار و کار بر روی سقف و فرم بندی شکل آن، ایجاد سکو و پله و... قابل بررسی و مطالعه است بدین منظور درباره جزئیات معماری اتاق مزبور به تفصیل سخن خواهیم گفت.

ب - قلعه گرفتو

منظور آن بخش از غار است که دارای فضای معماری بوده و نشانگر دخالت انسان در فضای غار برای ایجاد کارکردهایی که بدان نیاز داشته، می‌باشد. این قسمت از غار که دارای فرمهای

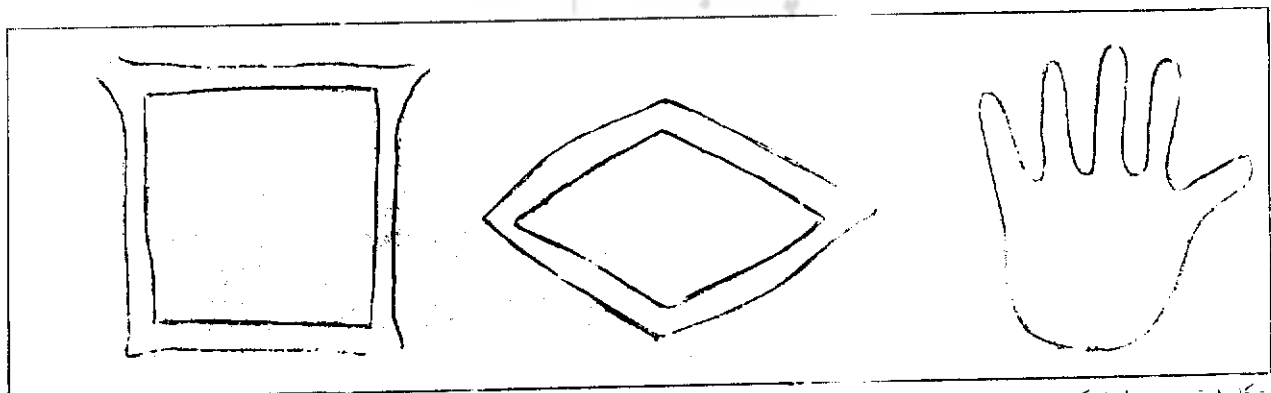
درگاهی در قسمت جنوبی، اتاق اول را به اتاق دوم از طبقه سوم متصل می‌نماید. حفره هایی نظیر اتاق اول، در اتاق دوم قابل رویت است و آن چه که در باره اتاق دوم از طبقه سوم میتوان بدان اشاره نمود ستون سنگی است که بقایای آن در کف و سقف اتاق قابل مشاهده است که بخش میانی آن در ریخته است.

اتاق سوم از طبقه سوم را می‌توان به عنوان مهمترین اتاق این طبقه یاد کرد زیرا که دارای تزیینات بیشتری در داخل دیوارهای آن است. در قسمت جنوبی و جنوب غربی اتاق مزبور سکویی مرتفع دیده می‌شود.

بر روی دیوار غربی تزییناتی حجاری شده که به شکل طاقچه است و به طرز زیبایی در دل دیوار سنگی حجاری گردیده به گونه‌ای که برخی از محققین از آن به عنوان سحراب یاد کرده‌اند، علاوه بر آن طاقچه و حفره هایی در داخل دیوار مشاهده می‌شود. برای رفتن به طبقه چهارم می‌بایستی از ورودی که در دیوار شرقی اتاق سوم در این طبقه وجود دارد، طی مسیر نمود. به این منظور، ابتدا بایستی با بالا آمدن از ۲ پله حجاری شده توسط انسان، و عبور از پاگرد و آنگاه از ۵ پله به شمال مارپیچ که عبور از این پله‌ها به سختی میسر است و هر آن امکان خطر سقوط به دره با اندکی بی احتیاطی ممکن است.

به نظر می‌رسد که راه ارتباطی دیگری در وجود داشته که بخشهای عظیمی از این راه به طبقه چهارم بر اثر زلزله فرو ریخته است و وجود پله‌های باقی مانده گواه بر این ادعا است.

پس از طی مسیر از اتاق سوم و عبور از پله‌های یاد شده به طبقه چهارم وارد می‌شویم. در ابتدای ورود، یک پاگرد ما را به دو قسمت شمال و شرق هدایت می‌نماید. بخش شمالی با دو پله به سمت پایین که به سالنی بزرگ منتهی می‌شود و این سالن دارای



شکل ۸ نقش دست انسان کنده شده در دیوار داخلی غار

شکل ۹ نقش هندسی کنده شده در دیوار غار

شکل ۱۰ نقش هندسی کنده شده در دیوار غار



شکل ۱۱. نقوش هندسی کنده شده بر روی دیوار اتاق غار.



شکل ۱۲. نقشهای کنده شده هندسی در راهروی دیوار جنوبی اتاق ۲، طبقه اول.



شکل ۱۳. پنجره‌های غار کرفتو

حفره‌های مخروطی شکل در پایین دیوار و همچنین حفره‌ای مخروطی در قسمت بالا وجود دارد که حکایت از وجود اتاقی می‌نماید که اکنون دیگر اثری از آن بجای نمانده است.

بر بالای دیوار غربی و در ارتفاع ۲/۳۰ سانتی متری از کف، نقش سه حیوان دیده می‌شود که مجموعاً بصورت مثلثی در کنار و بر روی هم قرار گرفته‌اند اولین نقش از سمت چپ بزی کوهی را که خطوط کناره نمای آن بصورت منقور ایجاد شده است با شاخهایی که تا انتهای بدن حیوان ادامه دارد و حرکتی همچون جهش به سمت جلو دارد، نمایان است. اما در سمت چپ این نقش تصویر اسبی با حالت ایستاده و بدون حرکت منقوش است و جهت آن رو به سمت جنوب می‌باشد بر بالای این دو نقش، تصویر اسبی دیگر همچون اسب سمت چپ که به آن اشاره شد و با همان خصوصیات منقوش است. سطح این نقوش از عمق چندانی برخوردار نبوده و با توجه به مشاهدات انجام گرفته و عمق نقوش مذکور بر اثر عوامل مخرب جوی همچون هوازدگی شیمیایی و فیزیکی کمتر شده که بعنوان مثال بر روی بدن نقش بز منقور حفره‌هایی مشاهده می‌گردد که نظر بالا را تایید میکند. در طرفین دهانه غار دالان و اطاقهای بزرگی با سبک و شیوه‌های

متنوع معماری است، در هر دوره‌ای دارای تازکردی خاص بوده است. زمانی بعنوان پناهگاه و حفاظت انسان از حوادث طبیعی و همچنین محافظت از حمله حیوانات استفاده می‌شده است و گاهی همچون دژی محکم برابر هجوم بیگانگان انجام وظیفه می‌کرده است و زمانی بعنوان نیایشگاه و مکانی برای انجام تشریفات مذهبی و آئینی کاربرد داشته است. با توجه به تنوع این غار چه از لحاظ معماری و چه از لحاظ تنوع در استقادات که این غار بمنظورهای فوق مورد استفاده بوده است. همچون مخزنی غنی، اسراری پربها از دوران نوسنگی تا اوایل دوره قاجار را محفوظ داشته که شایسته است از سوی هیئت‌های باستان شناسی مورد مطالعه و بررسی علمی قرارگیرد تا پرده از اسرار آن برداشته شود.

فضای معماری غار کرفتو در حال حاضر دارای ۹ اتاق تقریباً سالم با دو دالان که کف آنها ریزش نموده و حدود ۵ اتاق نیمه مخروبه و دهها اتاق ویران شده است.

برای رسیدن به دهانه ورودی غار بایستی ارتفاعی در حدود ۱۷ متر را بوسیله دو نردبان فلزی طی کرد پس از رسیدن به دهانه غار همانگونه که در بالا به آن اشاره کردید در سمت چپ

متنوع معماری حجاری برگردیدیم که نشان دهنده تنوع در فضای مکرر بشر در هر دوره تاریخی در فضای معماری آن است.

در سمت غربی دهانه ورودی (که درگامی ورودی اتاق اول نیز می باشد) از طبقه 'A' سه اتاق بصورت پشت سر هم حجاری گردیده که اتاق اول از دو اتاق دیگر بوسیله یک دیوار جدا می شود. انتهای اتاق سوم (از طبقه A) بصورت نیم دایره است. جهت ارتباط این اتاق با دو اتاق دیگر دودرگامی، یکی در مرکز و دیگری در جهت شمالی آن حجاری گردیده است. ابعاد این اتاق به قرار زیر است:

درازای ۷/۱۶ سانتی متر - پهنا ۶ متر - ارتفاع ۴/۲۰ سانتی متر. دهانه ورودی این اتاق دارای ارتفاع ۳/۱۰ سانتی متر - ضخامت درگامی ۸۰ سانتی متر است.

سقف این اتاق هلالی بوده که ابتدای قوس آن از پایین جرز (دیواره) شمالی شروع و تا بالاترین نقطه قوس ادامه دارد و از آنجا نیز تا پایین دیواره جنوبی ادامه می یابد.

بر روی دیواره جنوبی، دریچه ای با مقطع مربع و به عمق ۶/۲۰ سانتی متر و ارتفاع ۲ متر و عرض ۱/۹۰ سانتی متر وجود دارد که از طریق آن می توان دید کاملی بر فضای بیرونی غار در سمت جنوب داشت.

بوسیله یکی از دو درگاه ارتباطی که در بالا به آنها اشاره شد، وارد اتاق دوم می شویم. پلان این اتاق بشکل مستطیل است. سقف آن بر خلاف اتاق اول دارای ارتفاع کمتر و تقریباً مسطح می باشد که در طرفین سقف به سمت دیوارهای شمالی و جنوبی، قوس کمی وجود دارد. اندازه های این اتاق بدین قرار است: درازای ۷/۱۴ سانتی متر - پهنا ۶/۵۵ سانتی متر - بلندی ۲/۹۰ سانتی متر. بر روی دیواره جنوبی و با فاصله ۲ متر از دیواره جدا کننده (اسپر) اتاق اول، دریچه ای به پهنا ۱/۵۰ سانتی متر و عمق و بلندی ۲ متر وجود دارد که بوسیله آن همچون دریچه اتاق اول دید کاملی بر جبهه جنوبی غار میتوانیم داشته باشیم. در انتهای غربی این اتاق دیوار جداکننده ای بوده که آنرا از اتاقهای مدور شماره ۲ جدا می ساخته است، که در حال حاضر وجود ندارد. و تنها آثار آن در کف و کناره دیوارهای شمالی و جنوبی به صورت نواری دیده می شود که احتمالاً دیوار فوق در دوره های بعد از احداث آن برای ایجاد فضایی جهت برپاداشتن مراسم آئینی و مذهبی تخریب گردیده است. اطاق سوم که پلان آن بصورت یک نیم دایره است و درازای آن در طولانی ترین نقطه قوس تا دیواره

جداکننده اتاق دوم و سوم ۳/۵۰ سانتی متر و پهنا ۶ متر است. در انتهای غربی این اتاق چاله مدوری بر روی کف، که زبانهای گود در جهت مشرق به اندازه ای حدود ۱۵ سانتی متر حفر گردیده است که احتمالاً برای انجام تشریفات آئینی و دینی کاربری داشته است. در دو طرف قوس دیواره غربی از اتاق سوم طبقه 'A' دو دریچه قرار دارد که دریچه اول در سمت جنوب غربی به درازای ۱/۱۰ سانتی متر و بلندی برابر ۱/۲۵ سانتی متر دارد که بر روی دیوار کمانی بر اثر آسیبهای شیمیایی و فیزیکی ایجاد شده است. فاصله این دریچه با دریچه دوم بر روی دیوار کمانی شکل در حدود ۲ متر است. پهنا ۹۰ سانتی متر، بلندی این اتاق از کف تا سقف آن ۲/۶۰ سانتی متر است. چنانچه به دهانه غار برگردیم در سمت راست و در جهت شمال، اتاقی دالان مانند، با سقفی کوتاه ۲/۲۲ سانتی متر و پهنا ۲/۲۵ سانتی متر و درازای ۱۶ سانتی متر برخورد می کنیم.

در انتهای شرقی دیواره شمالی اتاق اول راهرو کمانی شکلی با مقطع مستطیل در سنگ تراشیده شده که انتهای آن به اتاقی که آن نیز از جهت مشرق با دالان بالا ارتباط می یابد. فاصله این اتاق نسبت به دالان شمالی ۴/۴۰ سانتی متر است. این اتاق دارای سقفی مرتفع بوده (بیش از ۵ متر) که طاقچه ای در ارتفاع ۲/۵۰ سانتی متری از کف آن حجاری گردیده است. درازای آن (شرقی - غربی) ۲ متر و عمق ۱/۵۰ سانتی متر در سمت جنوبی آن واقع است. پهنا ۵/۷۰ سانتی متر و درازای آن ۵/۷۰ سانتی متر است.

در انتهای مسیر دالان و در سمت مشرق به راهروی طبیعی با پهنا ۵ متر و درازای ۷ متر می رسیم که دارای سقفی هلالی شکل با بلندی ۲ متر که اندک اندک از میزان بلندی سقف و همچنین پهنا ۱ متر و پهنا ۱ متر و پهنا ۱ متر به ۲/۲۰ سانتی متر می رسد. کف این راهرو پوشیده از فضله کبوتران و خفاشهاست، که به هنگام گذشتن از آن، گرد و غبار زیادی بصورت معلق پخش شده، از لحاظ تنفسی مشکلاتی را بوجود می آورد. این مسیر تونل مانند را به خاطر سقف کوتاه آن باید نشسته طی کرد.

پس از گذشتن از تونل فوق به شکاف نسبتاً وسیعی با پهنا ۴ متر می رسیم که در سمت بالا جداره دیوارها به هم می رسند. (از این محل به بعد که تاریکی بر همه جا حکم فرماست بایستی وسایل روشنایی به همراه داشت). جبهه جنوبی این شکاف موازی

با دهانه ورودی غار بوده که از مشرق به بیرون راه دارد. دهانه اصلی غار کرفتو در انتهای شمال شرقی است. این شکاف قرار گرفته است. چنانچه به سمت شمال این شکاف برویم پس از طی ۵ تا ۶ متر، در سمت غربی آن به درگاه اتاقی می‌رسیم که از سطح کف غار به اندازه ۸۰ سانتی متر بلندی دارد. بلندی درگاه ۱/۶۰ سانتی متر می‌باشد. پس از گذشتن از این درگاهی وارد اتاقی کاملاً تاریک با سقفی به اندازه ۱/۸۰ سانتی متر می‌شویم، اندازه و ابعاد این اتاق از دیگر اتاقها کوچکتر است. برای ورود به اتاق دوم در این طبقه (B) از درگاه جنوب غربی اتاق (B1) وارد اتاق B2 میشویم. اندازه و ابعاد این اتاق از اتاق B1 بزرگتر و وسیعتر است. پس از ورود به اتاق (B2) در میانه آن آثار بجای مانده از ستونی را بر کف آن مشاهده می‌کنیم که مابقی ستون از سقف آن بریده شده است. از طریق یک درگاهی که سمتی از آن تخریب شده است و در سمت شمال غربی این اتاق قرار دارد وارد اتاق سوم (B3) می‌شویم. سقف آن بلندتر و هلالی شکل است. فرم و ابعاد این اتاق با دو اتاق دیگر متفاوت است. بلندی این اتاق (B3) در بالاترین حد قوس ۵/۵۰ سانتی متر بود که در قسمت سقف اندکی از میزان قوس کاسته می‌شود. در برای دیوار در سمت جنوب غربی ۸/۱۰ سانتی متر (تا قسمت سکو مانند) می‌باشد. پهنای این اتاق ۶/۲۵ سانتی متر است. در سمت انتهای جنوبی اتاق سکویی با بلندی ۱/۹۰ از کف اتاق و به درازای ۶/۲۵ سانتی متر و با عمق ۲/۲۰ سانتی متر وجود دارد. بر پهنای سکو و در سمت جنوب شرقی دریچه‌ای به پهنای ۱/۵۰ سانتی متر و بلندی ۲ متر به بیرون راه دارد. در سمت جنوب شرقی این اتاق یک درگاهی قرار دارد که دارای بلندی ۳ متر و پهنای ۲ متر است. پس از گذر از درگاهی این اتاق وارد فضایی می‌شویم که لحظه‌ای ارتباط ما را با فضای داخلی قطع میکند و از اینجا است که فضای جنوبی بی هیچ مانعی خود نمایی می‌کند بطوریکه منظره کوه 'پنجه' و 'سه کنیشان' تماماً پیداست. در سمت شمال غار دالانی با سقف مدور وجود دارد که کف آن بر اثر ریزش، شکافی عمیق ایجاد کرده و آنرا به دو قسمت تقسیم کرده است. این دالان در سمت شمالی غار کرفتو حجاری گردیده است.

در ادامه حرکت بسوی دیگر اتاقها بایستی از پله‌ای که توسط دخالت انسان برای صعود به بالا و رسیدن به طبقه سوم (C) آنرا ساخته‌اند، عبور کرد که تعداد آنها ۱۰ پله میباشد و قسمتهای جنوبی آن ریزش کرده، هنگام گذر از آن بایستی مواظب بود که

به پایین صخره سقوط نکنیم. پس از پیمودن پله‌ها به ابتدای طبقه 'C' می‌رسیم، قبل از رسیدن به اولین اتاق در سمت راست و در جهت جنوب آثار چاله‌ای مخروطی شکل که محل پاشنه و محور در بوده است جلب توجه می‌کند و از ویران شدن قسمتهای زیادی از اتاقی که قبلاً وجود داشته حکایت میکند. در سمت راست و در جهت جنوب شرقی در ارتفاع ۱/۵۰ سانتی متری از کف این اتاق ویران شده آثاری که دال بر وجود اتاقی در این منطقه است که اکنون قسمتهای زیادی از آن فروریخته است. در سمت شمال دالانی با سقف قوسی تیز (شاخ بزی) جلب توجه می‌کند که بر دیواره غربی آن لوحه‌ای مستطیل شکل حجاری گردیده که بر روی آن آثار نقوش حیوانی که بشدت مورد تخریب واقع شده و بصورت سطحی متخلخل و حفره‌ای در آمده، نقر شده است. گسیل دیواره سمت راست این دالان به سمت بالا حالت طبیعی دارد اما دیواره سمت غرب بوسیله انسان حجاری شده و نیمه دیگر قوس را بصورت قرینه نیمه شرقی تراشیده است. این دالان نیز همچون دالان طبقه B از قسمت میانی ریزش کرده که آنرا به دو قسمت تقسیم کرده است. در روبرویمان و در جهت شرق، اتاقی با دو درگاهی که ارتفاع درگاهی سمت راست بلندتر است اما پهنای درگاهی سمت چپ بیشتر ما را به داخل راهنمایی می‌کند، اما قبل از اینکه وارد اتاق 'C1' شویم.

پس از بازدید این کتیبه از طریق درگاهی زیر آن وارد اتاقی می‌شویم که دیواره و سقف آن را لایه‌های سیاه رنگ دوده پوشانده است. این اتاق 'C1' را باید یکی از زیباترین اتاقها از لحاظ معماری دانست، سقف آن هلالی شکل است که در ارتفاع ۲/۵۰ سانتی متری دیواره‌های شمالی و جنوبی که جهت شرقی - غربی دارند، حجاری شده است که در شکل دادن آن دقتی بی نظیر صورت پذیرفته شده است.

بر روی دیوار جنوبی و در میانه آن دریچه زیبایی با تزئینات گل لوتوس که در زیر آن کنگرهایی بصورت نیم برجسته حجاری گردیده‌اند، نمای بیرونی غار را به تماشا می‌گذارند تزئینات فوق بصورت پله‌ای است، یعنی ردیف بالا متشکل از دو ایر نیم برجسته که سطح آنها بمرور زمان سائیده شده و صرفاً بصورت دوایری ساده است. ردیف زیرین که بصورت پله‌کائی دیده می‌شود شامل یازده کنگره نیم برجسته یک در میان است. این نوع ترکیب بندی با عناصر تزئینی فوق‌بیادآور معماری

هخامنشی است. در زیر کنگره‌های فوق و بصورت پله‌ای با سطحی در حدود ۲۰ سانتی متر فضای مسطحی قرار گرفته که در زیر آن دریچه‌ای به ابعاد ۱۵۰×۱۵۰ سانتی متر وجود دارد که از طریق آن کوه "پنجه" نمایان است. در سمت دیوار شمالی و در ارتفاع ۲/۳۰ سانتی متری چاله‌هایی بر سطح دیوار نقر شده که احتمالاً بعنوان استودان و یا محل جایگیری تیرهای چوبی و یا محلی برای نذورات و... کاربرد داشته است.

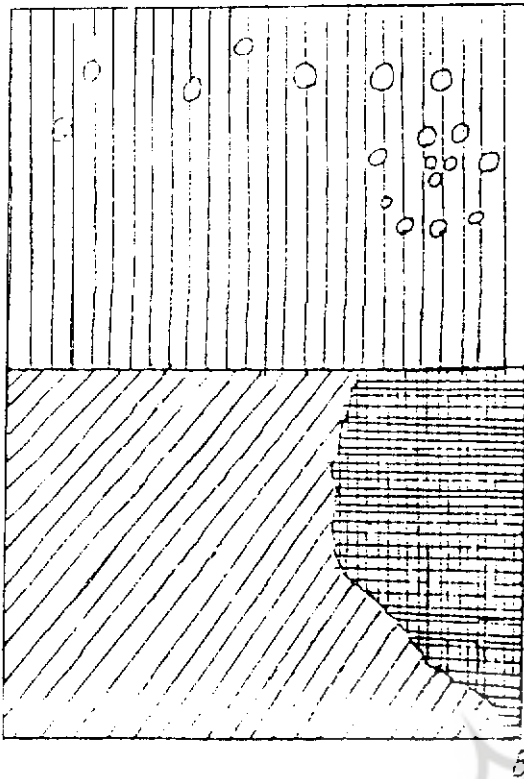
گمانه زنی در غار کرفتو:

به استناد گمانه زنی غار کرفتو که در سال ۱۳۷۶ در نخستین فصل از انجام پژوهشهای باستان شناسی برای دست یابی به چگونگی وضعیت استقرار در غار کرفتو انجام گرفت، نتایج حاصل از آن با توجه به زمان اندک انجام برنامه و محدوده کاوش، چشمگیر بود که خلاصه‌ای از آن در پی می‌آید. (۲۵)

بر اساس همان گزارش و به منظور دست یابی به اهداف یاد شده در کل چهار گمانه در داخل و خارج غار کرفتو ایجاد شده است که در زیر به دو گمانه الف و ب و دو یافته‌های آنها اشاره می‌شود.

۱- گمانه الف ۱:

این گمانه با ابعاد ۲×۲ متر با جهت شمالی - جنوبی در یکی از راهروهای اصلی غار ایجاد شد. پس از برداشت خاک سطح ترانشه (۲۶) در عمق ۳۰ سانتی متر به یک لایه خاک آهکی کوبیده برخورد شد که عنوان کف شماره ۱ به آن داده شد و بر روی این سطح سفت به ویژه در شمال شرقی آن حفره‌های متعددی با قطر دهانه حدود ۳ تا ۷ سانتی متر ایجاد شده بود که محل قرار دادن میخهای چوبی بوده است (شکل ۱۴). پانزده حفره در این سطح آهکی نمایان شد، به این سبب کار در نیمه جنوبی این گمانه ادامه داده شد و قطعات سفالهای ساده و لعابدار و قطعات متعددی از استخوانهای حیوانات بدست آمد. در ادامه همین قسمت در عمق ۴۰ سانتی متر در دیواره شرقی یک قطعه سنگ بزرگ آهکی دیده شد. در عمق ۷۰ سانتی متر لایه خاک آهکی قرمز مخلوط با قطعات سنگهای آهکی مشاهده شد. در عمق ۱۵۰ سانتی متر از سطح گمانه: استخوان فک یک حیوان بدست آمد و در ادامه تا عمق ۱۹۵ سانتی متر بقایای استخوان حیوان و بقایای ذغال سوخته بدست آمد. در کل یازده لایه مختلف شناسایی شد که بر اساس مطالعه و آزمایشات و به لحاظ آگاهی از دوره‌های استقرار، غار



Trench - A1

$$S: \frac{1}{25}$$

- کف سخت
- حفره‌های روی کف (محل میخ‌های چوبی)
- گمانه پیشرو
- سنگ آهکی

شکل ۱۴. برش گمانه الف در داخل غار

از اهمیت ویژه برخوردار است. توضیح کاملتر در نقشه لایه نگاری با موقعیت دقیق یافته‌ها آمده است، آخرین عمق این ترانشه ۲/۲۰ سانتی متر بود. شکل ۱۵ یافته‌های این گمانه شامل قطعات سفال، چوب، استخوان، سنگهای آهکی و بقایای ذغال است.

سفالهای چرخ ساز دوره اسلامی در دو نوع ساده و لعابدار (شکل‌های ۱۶ و ۱۷) با لعاب‌های کرم و سبز (شکل‌های ۱۱ و ۱۴)، زرد، شیشه‌ای، قهوه‌ای سوخته، با نقوش هندسی به رنگ لعابهای سیاه و به شکل خطوط موازی، عمودی منحنی‌های منظم در داخل برخی ظروف با نقوش اسلیمی است که خمیر سفالها چه لعابدار و چه بدون لعاب و ساده، مرکب از ذرات شن، آهک، کوارتز است.

گمانه الف ۲:

به فاصله ۳۱ متری از گمانه الف ۱، در همان جهت و به همان ابعاد در درون فضایی که از سه جانب شمال و غرب و شرق به صخره‌های طبیعی غار متصل می‌شود، ایجاد گردید. هدف اصلی از ایجاد این گمانه اطلاع از کاربری این بخش از فضای غار کرفتو بود. گروه در این گمانه با مشکلات بسیار مواجه شد، چرا که از سه طرف به دیوارهای صخره‌ای و از سمت بالا نیز به سقف غار با ارتفاع حدود ۲ متر منتهی می‌شد و مشکلات تنفسی وجود داشت.

یافته‌های این گمانه قطعات سفال ساده (شکل شماره ۱۶) بدون نقش دوران اسلامی و قطعات شیء سنگی از جنس کوارتز و قطعات چوب است. در این گمانه قطعه سنگی به طول هفت سانتی متر و قطر یک سانتی متر با سوراخی در مرکز که دارای قطر دهانه حدود پنج میلی متر است و کاربرد تزئینی دارد، بدست آمد.

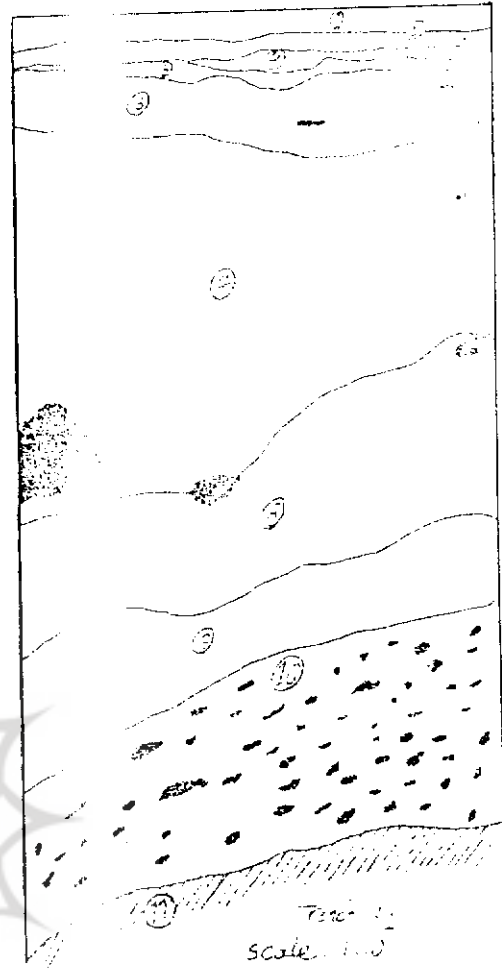
۲- گمانه ب:

همان طوری که اشاره شد در منتهی‌الیه شمال غربی اتاق سوم، از طبقه چهارم قسمتی مربع شکل در کف سنگی اتاق مزبور توسط انسان ایجاد گردیده که تا عمق ۴۰ سانتی متری آن عاری از خاک بود. بدین منظور این مکان را به عنوان گمانه آزمایشی 'ب' در جهت رسیدن به نتایجی سودمند انتخاب و خاکبرداری از سطح داخلی آن را آغاز نمودیم.

خاکبرداری از داخل گمانه تا عمق ۱۴۰ سانتی متری با برداشت خاک توأم با زباله و مواد مصرفی از قبیل پلاستیک و بطری مایعات و کاغذ و سایر چیزهای دیگر همراه بود. از عمق ۱۴۰ تا ۱۶۰ سانتی متری زباله و چیز قابل ملاحظه‌ای بدست نیامد.

از عمق ۱۶۰ سانتی متری شاهد تغییر رنگ خاک به رنگ تیره با نم فراوان بودیم.

رطوبت فراوان موجود در خاک به همراه قطعات کوچک سفالینه‌های بدون لعاب برنگ نخودی و قرمز همراه با استخوان حیوانات تا عمق ۲۵ سانتی متری (۱۹۵ سانتی متری از کف سنگی اتاق سوم) ادامه یافت. به تدریج از رطوبت خاک کاسته شد. در عمق ۲۶۰ سانتی متری به لایه‌ای از آهک به قطر ۵ سانتی متر برخوردیم که به احتمال زیاد این لایه ناشی از رسوب گذاری املاح آهکی آب بوده که بر جای مانده است و ته نشین گردیده



۱- خاک پروری خاکستری رنگ دارای مواد آلی

۲- قطعات سنگ آهک

۳- خاک فشرده خاکستری رنگ دارای مواد آلی

۴- خاک قهوه‌ای روشن

۵- خاک کرم رنگ

۶- خاک قهوه‌ای تیره که لایه‌های سطحی پررنگ و دارای ده کستر است.

۷- خاک نخودی روشن با قطعات درشت سنگ آهک

۸- خاک قهوه‌ای نارنجی با قطعات سنگ و آهک کمتر

۹- خاک قهوه‌ای نارنجی روشن با قطعات سنگ و آهک

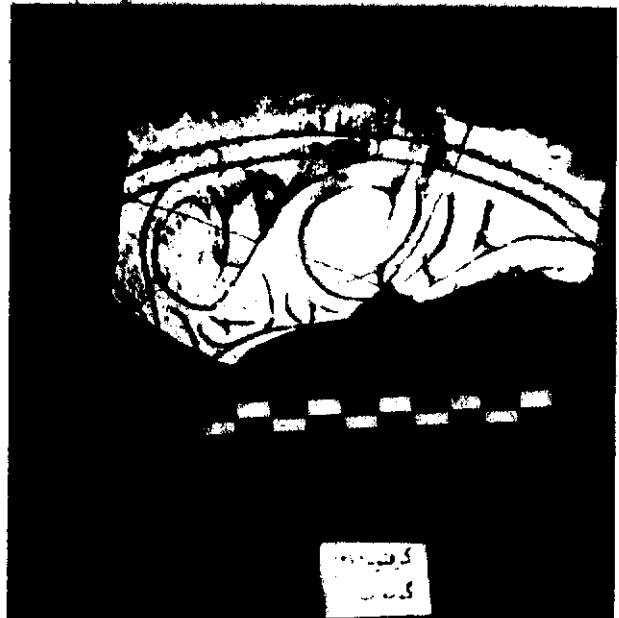
۱۰- خاک قهوه‌ای با تراکم قطعات سنگ

۱۱- صخره

شکل ۱۵. برش گمانه در داخل غار

به فاصله ۴۰ سانتی متری از حفره (طاقچه اولی) با عرض ۲۵ سانتی متر، ارتفاع ۴۰ سانتی متر و عمق تقریبی ۲۲ سانتی متر. حفره (یا طاقچه) سومی به فاصله تقریبی ۴۵ سانتی متر حفره دومی که در بخش غربی آن به هنگام حجاری از ظرافت کمتری بهره برده شده است، با عرض ۴۷ سانتی متر، ارتفاع ۴۰ سانتی متر و عمق ۲۲ سانتی متر.

به دلیل کاهش حجم محیط خاکبرداری ناگزیر به برداشت خاک از بخش شمالی گمانه مزبور شدیم. همان طوری که قبلاً توضیح داده شد از عمق ۲۶۰ سانتی متری گمانه ب را به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم نموده بودیم. خاکبرداری از این بخش از گمانه (بخش شمالی) نیز عیناً تکرار لایه‌های خاک بخش جنوبی بود.



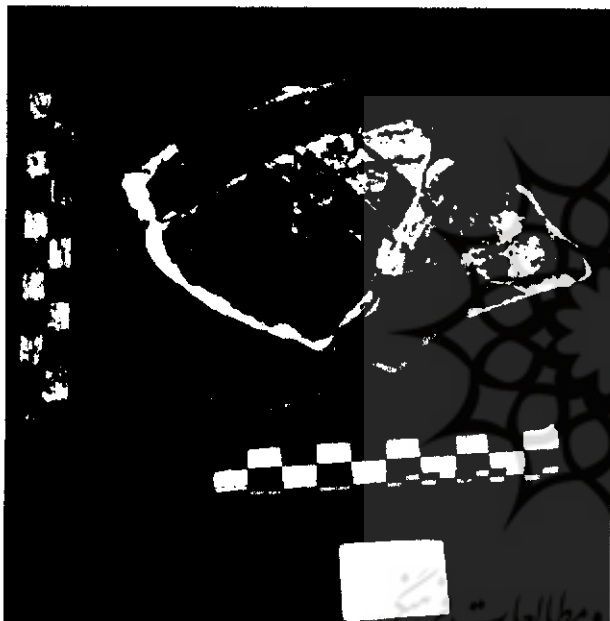
شکل ۱۶. سفال‌های یافت شده از گمانه ب

است.

از عمق ۲۶۰ سانتی متری گمانه را به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم و خاکبرداری را از بخش جنوبی ادامه دادیم. پس از لایه آهکی ذکر شده، دوباره بر نم موجود در خاک افزوده گردید خاکبرداری توأم با برداشت گل مرطوب به همراه قطعات شکسته سفالینه‌های بدون لعاب با خمیره قرمز و نخودی و خاکستری مربوط به کف، بدنه و لبه و دسته ظروف سفالی بزرگ به همراه استخوان حیوانات، تا عمق ۳۳۰ سانتی متری ادامه یافت. قطعات شکسته سفالینه‌های بدست آمده تا این عمق دارای تزیینات نقش کنده بر روی بدنه است.

در عمق ۳۳۰ سانتی متری در بخش جنوبی این گمانه پی سوز سفالی با خمیره نخودی که قسمتی از لبه آن شکسته بود و علامت سیاهی در داخل آن کاملاً مشهود بود به درازای ۱۶ و ارتفاع ۷ سانتی متر به دست آمد.

در عمق ۳۲۵ سانتی متری در بخش جنوبی این گمانه سه حفره در یک ردیف افقی به موازات هم به هنگام خاکبرداری نمایان گردید. ارتفاع این حفره ها که به نظر می‌رسد کاربرد طاقچه‌ای داشته باشند بین ۴۰ تا ۴۷ سانتی متر است. عمق طاقچه‌ها بین ۲۲ تا ۲۵ سانتی متر و عرض ۲۵ تا ۴۸ سانتی متر است. حفره (طاقچه) اول از سمت راست؛ با عرض ۴۸ سانتی متر و ارتفاع ۴۷ سانتی متر و عمق ۲۵ سانتی متر. حفره (طاقچه) دوم؛



شکل ۱۷. قطعات سفال‌های وصالی شده - دوره سلجوقی.

در عمق ۳۲۵ سانتی متری مشابه بخش جنوبی گمانه با سه حفره (طاقچه) نمایان گردید که جزئیات این سه حفره (طاقچه) به شرح ذیل است:

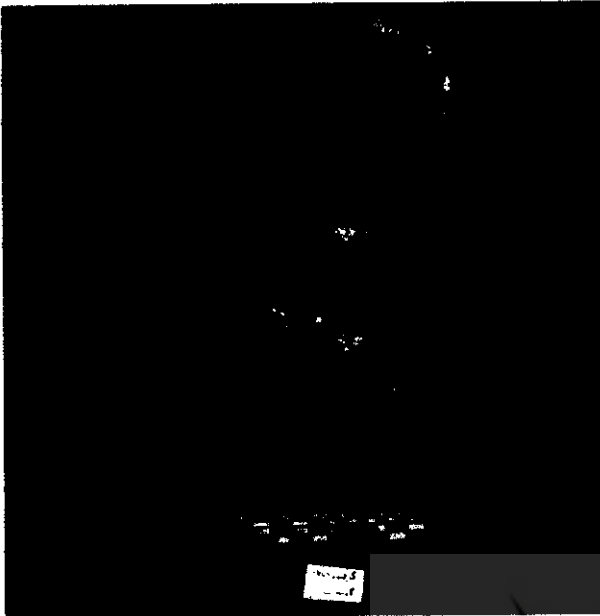
حفره (طاقچه) اول با عرض ۲۷ سانتی متر و ارتفاع ۶۵ سانتی متر و عمق ۲۴ سانتی متر.

حفره (طاقچه) دوم به فاصله ۲۴ سانتی متری طاقچه اولی؛ با عرض ۲۵، ارتفاع ۷۰ و عمق ۲۲ سانتی متر.

حفره (طاقچه) سوم به فاصله ۲۵ سانتی متری طاقچه دوم؛ به

عرض ۲۵ سانتی متر، ارتفاع ۷۵ و عمق ۲۳ سانتی متر.

از عمق ۳۲۰ سانتی متری به بعد خاکبرداری توام با برداشت خاک به رنگ تیره تا عمق ۳/۹۰ سانتی متر همراه بود که به هنگام خاکبرداری علاوه بر برداشت خاک تیره رنگ با نم فراوان قطعات شکسته سفالینه های بدون لعاب یا سبزه نخودی، قرمز و خاکستری با نقش کنده و افزوده بر سطح خارجی قطعات بدست آمده، قطعات شکسته سفالینه های لعابدار با لعاب به رنگهای سبز روشن، سبز سیر، سفید، کرم سبایل به شیری که با نقوش هندسی (دوایر تودرتو، خطوط موازی و متقاطع و زیگزاگ و نقوش دیگر ترکیبی هندسی) زینتگر بخش داخلی و بخشی از لبه خارجی قطعات بدست آمده است. همچنین به مقدار فراوانی استخوان حیوانات مختلف به همراه خاک بدست آمد که از خاک



شکل ۱۹. ظروف سفالی مرمت شده - دوره سلجوقی

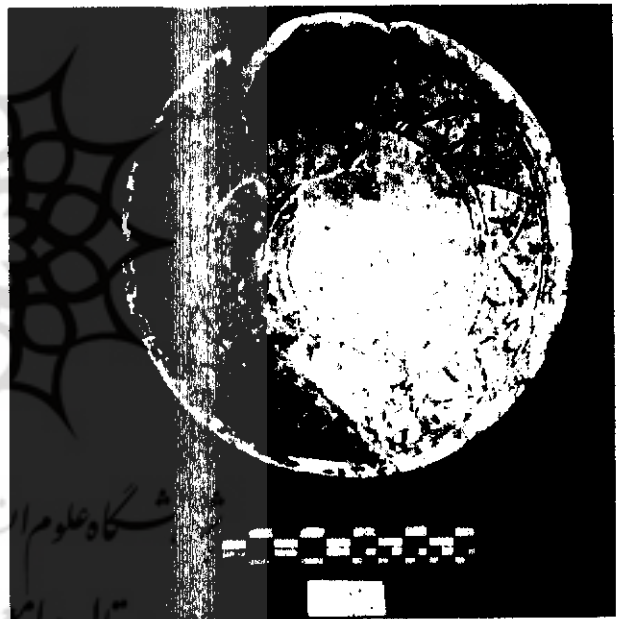
سفالینه ها: شکل ۱۷-۲۱

به هنگام خاکبرداری از گمانه ب مجموعاً ۴۶۶ قطعه شکسته سفالینه های بدون لعاب و لعابدار از خاک تفکیک گردید. از مجموع ۴۶۶ قطعه سفالینه های شکسته: ۴۰۵ قطعه شامل سفالینه های بدون لعاب، و ۶۱ قطعه سفالینه های لعابدار را شامل می شود. از مجموع ۴۰۵ قطعه سفالینه ها بدون لعاب ۱۲۹ قطعه از نوع خمیره قرمز بوده که از این مجموع ۲۶ قطعه متعلق به لبه ظرف، ۲ قطعه مربوط به کف ظرف، ۲ قطعه مربوط به دسته و ۹۹ قطعه متعلق به بدنه ظرف است. از نمونه سفالهای شکسته با خمیره قرمز مربوط به کف، بدنه، لبه و دسته ۲۸ قطعه انتخاب شد.

قطعات شکسته سفالینه های با خمیره نخودی مجموعاً ۲۳۳ قطعه را شامل می شود.

از مجموع ۲۳۳ قطعه: ۲۱ قطعه مربوط به لبه، ۱۹۸ قطعه مربوط به بدنه، و ۱۱ قطعه مربوط به کف و ۳ قطعه متعلق به دسته ظرف سفالی است. که از این مجموع ۴۲ نمونه کف، بدنه، دسته و لبه از دیگر قطعات جدا و برای مطالعه تفکیک شد.

سفالینه های با خمیره خاکستری نیز در بین قطعات بدست آمده از گمانه ب به چشم می خورد که مجموعاً ۴۲ قطعه را شامل می شود که از این مجموع ۹ قطعه متعلق به لبه، ۱ قطعه متعلق به کف و ۳۲ قطعه متعلق به بدنه بوده و از این نوع سفالینه نیز ۵



شکل ۱۸. ظروف سفالی مرمت شده - دوره سلجوقی

جدا و تفکیک گردید.

از عمق ۳۹۰ سانتی متری رنگ تیره خاک، لای خود را به خاک قهوه ای روشن داد. از این لایه خاک سفالینه های لعابدار و بدون لعاب و استخوان همانند لایه خاک تیره منتهی به مقدار کمتری به دست آمد.

پس از نمایان شدن حفره های شمالی، جنوبی در گمانه مزبور، به تدریج از فضای حجاری شده داخل کاسه گردید و خاکبرداری از سطح گمانه مزبور تا عمق ۲/۲۰ سانتی متر ادامه یافت تا به کف سنگی این قسمت رسیدیم.



شکل ۲۰. ظرف سفالی وصالی شده - دوره سلجوقی

نامیده شد. یکی از حروجهای فضای مال بند به سمت جنوب راه داشت که در اثر زلزله های سالهای گذشته و همزمان با ریزش بخشهای زیادی از قسمت‌های جنوبی غار کرفتو از بین رفته‌اند.

این گمانه در مقایسه با دو گمانه الف و الف ۲ - از نظر دست‌یابی به مواد باستان شناختی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. حجم انبوه استخوان حیوانی به همراه قطعات فراوان سفال و اشیاء دیگر، حاکی از اهمیت این قسمت از غار دارد. در عمق ۲۵ سانتی متری این گمانه به توده‌های از سنگهای آهکی برخورد شد. در این عمق و تا عمق ۹۵ سانتی متر که به دلیل پایان فصل کاوش بیشتر ادامه نیافت با تراکم قطعات استخوان مواجه شدیم.

یافته‌های این گمانه نیز شامل سفال، استخوان، چوب، شیشه، مهره و چرم است.

سفال به مقدار زیاد حدود ۶۰۰ قطعه ساده و لعابدار از دوره اسلامی به رنگهای نخودی، قرمزخاکستری متمایل به سیاه که برخی از آنها نیم پخت و دارای مغز سیاه و و دودرده‌اند. سفال لعابدار به مقدار کمتر یافت شده که دارای تکنیک کار بسیار بالا و با کیفیت عالی است، شاموت سفالهای ساده با ذرات شن ریز و درشت، و به ندرت گاه خرد شده است. ظروف شامل کاسه، کوزه، سفالهایی بابتنه ضخیم از حرارت کافی برخوردار نیستند. شاخص قطعات سفالی این گمانه از نوع زرین قام متعلق به دسته یک ظرف است که برای تاریخ گذاری اهمیت ویژه دارد.

نمونه جهت مطالعه انتخاب شد.

از مجموع سفالینه های بدون لعاب با خمیره قرمز، نخودی، خاکستری، ۵۶ قطعه متعلق به لبه ظروف سفالی، ۳۲۰ قطعه متعلق به بدنه، ۵ قطعه متعلق به دسته ظروف، و ۱۴ قطعه متعلق به کف ظروف سفالی است. که از این مجموع ۷۶ قطعه سفالینه کوچک و بزرگ جهت مطالعات انتخاب شد.

همان طوری که قبلاً ذکر گردید ۶۱ قطعه از سفالینه ها از نوع لعابدار در داخل و حاشیه و لبه خارجی است که لعاب روی سفالینه‌ها برنگهای سبز روشن، سبز سیر، سفید، کرم متمایل به شیری است که با استفاده از نقوش هندسی مانند دوایر تودرتو، خطوط موازی در لبه داخلی خطوط زیگزاگ و مواج در داخل و لبه داخل و خارج قطعات بدست آمده که روی آنها تزئین شده است.

از مجموع ۶۱ قطعه سفالینه لعابدار؛ ۳۲ قطعه متعلق به لبه، ۲۰ قطعه متعلق به بدنه، و ۷ قطعه متعلق به کف ظروف سفالی بوده که از این مجموع بخشهایی از آنها متعلق به یک ظرف بوده که عمل وصالی بر روی قطعات متعلق به یکدیگر صورت پذیرفته که حاصل این وصالی قطعات، یک ظرف سفالی (پیاله یا کاسه) تقریباً کامل با قطر دهانه ۲۰ سانتی متر، قطر کف ۱۰ سانتی متر، ارتفاع ۱۵ سانتی متر، که تنها بخش کوچکی از لبه آن ناقص است لعاب ظرف مزبور برنگ سبز روشن با تزئین خطوط موازی و خطوط زیگزاگ در داخل ظرف است. همچنین چند ظرف ناقص نیز به دنبال وصالی قطعات متعلق به یکدیگر با لعاب کرم متمایل به شیری با نقاشی خطوط متقاطع در زیر لعاب، سبز سیر و سبز روشن به دست آمد.

علاوه بر سفالینه های بدست آمده، ۴۸۰ قطعه استخوان از قسمت‌های مختلف بدن حیوانات که شامل استخوان شاخ، فک، آرواره، دست، پا، ستون فقرات و... است با دو قطعه شیشه نیز به دست آمد.

گمانه ج

این گمانه به منظور آگاهی از چگونگی کاربری یکی از فضاهای جانب شرقی غار کرفتو ایجاد شد. در بخشهایی از دیوارهای این قسمت عناصری تعبیه شده که به نظر می‌رسد برای بستن طناب بوده و از آنجا که این عناصر به فاصله حدود یک متر از یکدیگر به وفور یافت میشوند، گمان می‌رود که محل و ابزاری برای بستن حیوانات بوده باشد. که این فضا توسط هیأت به عنوان "مال بند"

داخل شهر ناهموار و غیر همسطح است، وجود تپه‌ها سبب پستی و بلندی و سربالایی و سراسیمی کوچه و گذرگاههای آن شده است. سقز دارای هوای گرم در تابستان و هوای سرد در زمستان و گاهی بارش برفهای سنگین دارد. این شهر ۴۳۷۰ کیلومتر مربع وسعت دارد.

- ۲- مبانی زمین‌شناسی نوشته: ادوارد جی، تاربوک و دکتر فردریک ک لوتکن، ترجمه دکتر رسول اخروی.
- ۳- ناودیس به گودی میان دو چین گفته می‌شود.
- ۴- یعنی خیاط سنگ شده؛ در سمت غرب غار دو ستون سنگی در اثر فرسایش ایجاد شده که مردم محل برای آن اسطوره‌ای قایلند و آن اینکه یک فرد خیاطی بوده که عاشق دختری شده است. ناگویی به ازدواج غیر شرعی شده‌اند و پس از آن نفرین شده و به صورت سنگ درآمده‌اند.
- ۵- این بخش ترجمه و تألیفی است از:

Studdio Iranic, tome, fascicule 2

Paul Bernard

Henacles, Les grotte de kerafto et le sanctuaire du mant jambolous en Iran.

۶- GIG جلد صفحات ۹۱-۱۱۲. در جلد GIG III که در تاریخ ۱۸۵۳ منتشر شده، در کنار کتیبه کرفتو (شماره ۴۶۷۳) شکل کتیبه دیگر یونانی که پیش از این شناسایی شده بود، نیز دیده می‌شود. کتیبه نقش برجسته مهر داد دوم و گودرز در بیستون (شماره ۴۶۷۴)، کتیبه و نقش برجسته اردشیر در نقش رستم (شماره ۴۶۷۵) و کتیبه و نقش برجسته شاپور در نقش رجب شماره (۴۶۷۶).

۷- چکیده این در مقاله‌ای تحت عنوان هراکلس، غار کرفتو و معبد کوه سمبولوس در ایران، به نقد کشیده شده است، بنگرید به:

AMI: Archaeological Mitteilung en aus Iran, Neve

folge, jrjs; Journal of the royal geographical

Society.

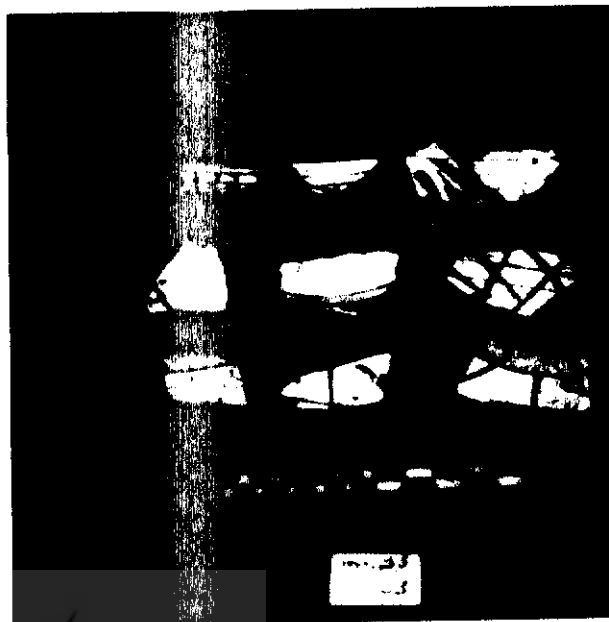
۸- J. cormick وابسته دربار عباس میرزا در تبریز، سفری به کردستان کرد. کربورتر یادداشتهای او را خواند و در برگشت از تبریز به سنج رفت و از: هوار- کرفتو- خایتب- شاه ولی- کنازون- دیوان دره- زاغه- کلهرآباد- مغه- تزر عبور کرد، قابل توجه است که میان کرفتو و سنج است که اشتاین (Astein) این مسیر را بر عکس پیموده است.

Die Erforschung Persians (vienne 1952) p.133, n.2, 144, 148, 157,

۹- R. Kerporter, سفرهایی به گرجستان- ایران- ارمنستان- و بابل قدیم طی سالهای ۲۰-۱۸۱۷.

۱۰- JRGS10, -1840, p.45

۱۱- 10. Old routes of western Iran (Londres 1940) p.324-360.



شکل ۲۱. قطعات سفالهای بدست آمده از گمانه زنی

نقوش روی سفال به دلیل کوچکی قطعه یاد شده قابل شناسایی نبود.

حدود ۹۰۰ قطعه مختلف استخوان حیوان بدست آمده که جالبترین نمونه آن قطعه‌ای است که دارای یک سوراخ در یک طرف و سطح صیقل یافته است. که احتمالاً به عنوان آویز از آن استفاده می‌شده است.

اشیاء شیشه‌ای بدست آمده از این گمانه شامل قطعات ریز، مهره، دستبند به رنگهای سبز و سفید و سیمابه است. بخشی از دستبند شیشه‌ای به رنگ زرد که بسیار زیبا، ساهرانه پرداخت شده از نمونه‌هایی است که در عمق ۶۰ سانتی متری گمانه بدست آمد که متعلق به یک دستبند شیشه‌ای به رنگ سیاه بوده که متأسفانه تمام آن بدست نیامد.

مهره‌هایی از جنس عقیق، فیروزه‌ای که کاربرد انواع آویز را داشت، بدست آمده است. قطعه‌ای از چرم و نطعه‌ای از جوش کوره از نمونه‌های جالب این گمانه بود که به آزمایشگاه فرستاده شده است. ۲۷

پانویسها:

- ۱- شهرستان سقز در شمال استان کردستان و در ۲۰ درجه و ۱۹ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۱۲ دقیقه عرض شمالی قرار دارد، این شهرستان بر روی دو تپه طولیل بنا شده، به گونه‌ای که اکثر نقاط

20-Cambades

21-Cambalidos

22-kampada

- ۲۳- یادآور می‌شود که از مسیر روستای صاحب روستاهای دیگری چون: تیز آباد، لگزی، قلعه کهنه، چاغرلو، یرقول، پنبه دان، نیز می‌توان به روستای میرسید یا میرسعید رسید که از سمت شرق این روستا به غار کرفتو راه دارد که صعب العبور و ناهموار است و به سختی میتوان از آن گذشت و به غار رسید.
- ۲۴- در حال حاضر این انباشت توسط میراث فرهنگی سنندج پاک سازی و ساماندهی شده است.
- ۲۵- رک به گزارش نهایی و ساماندهی غار کرفتو در شهرستان سقز - استان کردستان - تابستان ۱۳۷۶.
- ۲۶- خاک سطوح اولیه ترانشه، انباشتی از خاک و سنگهای آهکی و بقایای ذغال بود.
- ۲۷- برای اطلاع و دست یابی بیشتر به اشیاء بدست آمده و تجزیه و تحلیل آماری سفالهای بدست آمده رجوع کنید به گزارش نهایی گمانه زنی و ساماندهی غار کرفتو، سال ۱۳۷۶ - میراث فرهنگی کردستان سنندج.

۱۲- مطابق متن تاسیت و محوطه کرفتو و فرانتس در GIG 4673.

13.Syria 24.1944-1945 p.78-79.

۱۴- توضیح کامل آنرا در کتاب J.Helleica 13. روبرت ۱۹۶۵ ص ۲۶۶ می‌توان دید.

یادآوری می‌شود که کتیبه تازوس (Thasos) II ۶۸۷ X که بر روی تخته سنگ سردر حک شده است به تأیید ج. فهل.

G.Pfohl vberform und Inhal in hal gieh grabinschriften

۱۹۴۵-۵۵) یک کتیبه سنگ قبر نیست. تردید دارم که این کتیبه را بتوان به کتیبه‌های دوره اسکندر نسبت داد همچنین در ورودی خانه‌ها به هنگام شیوع بیماری طاعون در سال ۱۶۵ پس از میلاد مسیح ساکنان امپراتوری رومی، تحت رهبری تاپیشوا الکساندر ابونتیفوس یک عنایت صد مسیحی نوشتند و خانه‌های خود را تحت حفاظت قرار دادند. اوسین، سکندر و پیشوای ۳۶ و تغاسیرن. روبرت به سمت آسیای صغیر. (پاریس ۱۹۸۰) صص ۴۰۴-۴۰۳.

۱۵- به پلان عر نگاه کنید.

16-corma

17-W.kleiss

۱۸- نه معبد خدایان یونانی -

19-Kompada

